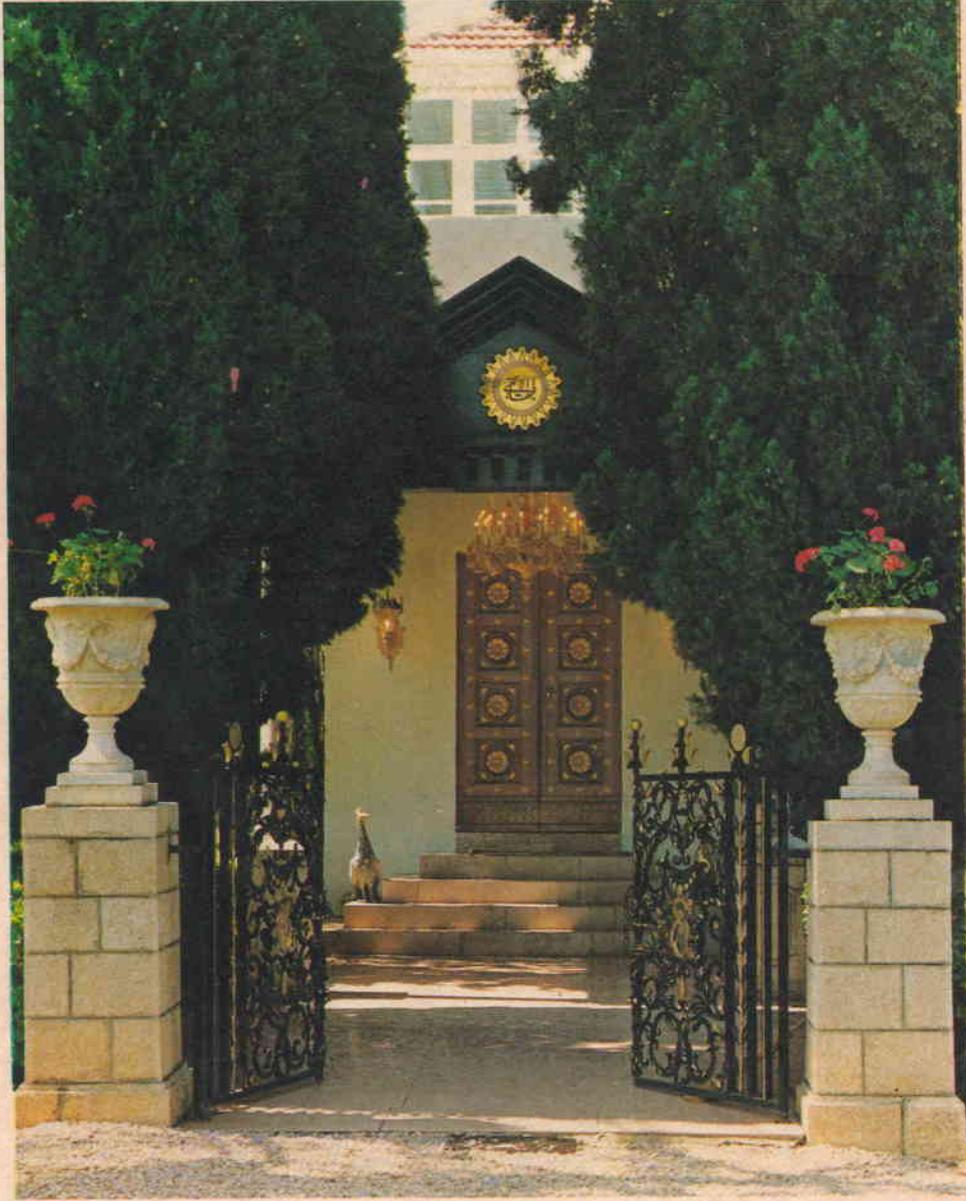
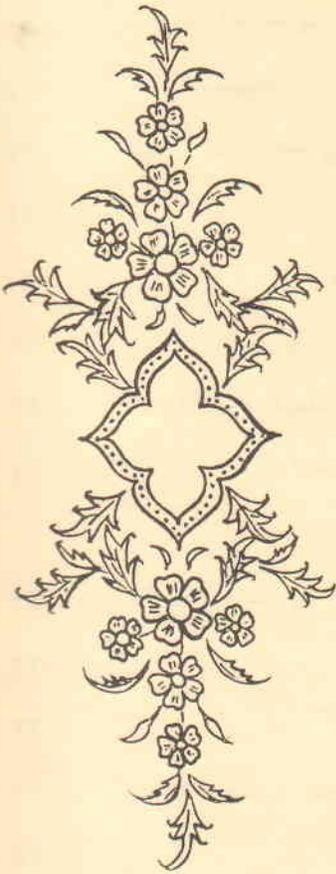


عذیب



« نشریه عندلیب »

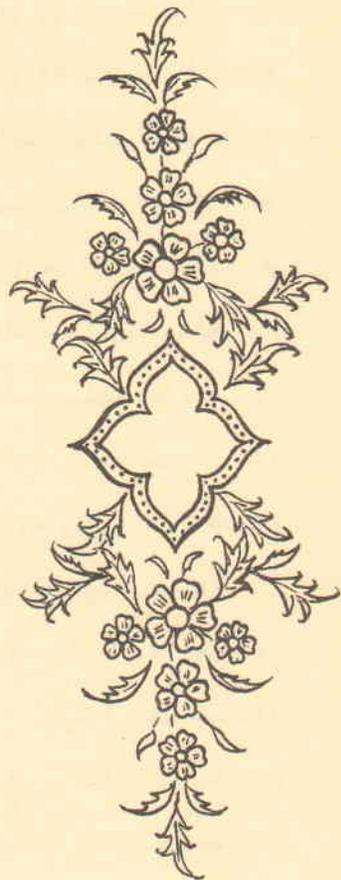


شماره دوم سال اول

بهار ۱۳۶۱ شمسی

۱۹۸۲ میلادی

۱۳۹ بیع



از نشرات جامعه مجتبیان کانادا

حق چاپ و طبع محفوظ است

بهار ۱۳۶۱ شمسی مطابق ۱۹۸۲

میلادی و ۱۳۹۹ تاریخ بدیع

نشریه عندلیب شماره دوم سال اول

فهرست مطالب مندرجه

- | | | |
|----|------|---|
| ۱ | صفحه | ۱- تبریک عید سعید رضوان |
| ۲ | " | ۲- آثار قلم اعلیٰ |
| ۴ | " | ۳- الواح حضرت عبدالبها |
| ۵ | " | ۴- پیام مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ بیت العدل اعظم الهی ترجمه فارسی |
| ۱۰ | " | ۵- پیام مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ بیت العدل اعظم الهی انگلیسی |
| ۱۳ | " | ۶- ترجمه پیام رضوان ۱۳۹۹ بدیع بیت العدل اعظم الهی خطاب به احبا |
| ۱۶ | " | ۷- دوفقره تلکس بیت العدل اعظم الهی و ترجمه آنها |
| ۱۹ | " | ۸- تلکس بیت العدل اعظم الهی راجع به مجله عندلیب |
| ۲۰ | " | ۹- مقاله (ردائهمات) از انتشارات جامعه بهائیان ایران |
| ۲۹ | " | ۱۰- مقاله بقلم ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن علیه بهاء الله |
| ۳۱ | " | ۱۱- تاریخ زرین شهادت شرح حال جناب هدایت الله دهقانی |
| | | ۱۲- تاریخ زرین شهادت شرح حال خانم ژینوس محمودی |
| ۳۵ | | وقسمتهایی از دوفقره نامه های معزی لها بعنوان فرزندان گرامی خود |
| ۴۳ | " | ۱۳- شعر در رثای خانم ژینوس محمودی از گلزار |
| ۴۴ | " | ۱۴- مسابقه امری |
| ۴۵ | " | ۱۵- قسمت جوانان قسمتی از مرقومه خانم ژینوس راجع به نوتها لان
مهد امرالله |
| ۵۴ | " | ۱۶- مناجات حضرت عبدالبها و ترجمه آن |
| ۵۶ | " | ۱۷- بعضی از لغات واصطلاحات امری فارسی و انگلیسی |
| ۵۷ | " | ۱۸- کنفرانس مونتریال |
| ۶۹ | " | ۱۹- اخبار و بشارات امریه |
| ۷۴ | " | ۲۰- نامه های رسیده |
| ۷۵ | " | ۲۱- اعتذار |

عکس روی جلد

نمای بیرونی روضه مبارکه قبله اهل بها

”اَسْئَلُ اَهْلَهُ اَنْ يُّبَارِكُوا

هَذَا الْعَبْدَ السَّعِيدَ

عَلِيَّ اَبِي سَمِيْعٍ وَوَالِدَيْهِمْ بِتَابِيْدِ جَدِيْدٍ

اِنَّ رَبِّي لَعَلِيٌّ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

ع ع

عيد سعيد رضوان الله عليه سلطان عيد است بحسب ما لان رحمان
وخلدنا نذكار محترم مجد عندك تبرك گفته ، موفقیت كل لا در
خدمت با مر مبارک آرزو مندیم .

بیت تحریریه

هو العلی العالمی الالک علی

ای بیدان آتشی، از خارستان ذلت بگلستان معنوی بشاید و ای یاران تریابی
قصه آتشین روحانی فرمایید. مرده بجان دهید که جانان تاج ظهور بر سر نهاده و ابوابهای
گلزار قدم را گشوده. چشمه را بشارت دهید که وقت مشاهده آمد و گوشتها را مرده دهید که به کام استماع
آمد. دوستان بوستان شوق را خبر دهید که یار بر سر بازار آمد و پدیدان صبارا که کنید که گلزار
ازون بار داده. ای عاشقان روی جانان، غم فراق را بسرور وصال تبدیل نمایید و ستم
بهران را بشهدتقا بیا میرید. اگر چه حال عاشقان از پی معشوق دووان بود و جسدیان از پی
محبوب روان، در این ایام فضل سبحانی از غمام رحمانی چنان احاطه فرموده که معشوق طلب عشاق
مینماید و محبوب جویمای احباب گشته. این فضل را غنیمت شمرد و این نعمت را کم شمرد. نعمتهای
باقیه را نگذارد و با شایسته فایده قانع نشود. بزق از چشم قلب بردارید و پرده از بصیرت بردارید
تا جمال دوست بی حجاب بینید و ندیده ببینید و نشنیده بشنوید. ای بیدان فانی، در گلزار
باقی گلی سگفته که همه گلها نرودش چون خار و جوهر جمال نرودش بمقدار. پس از جان بجزو نشد
و از دل بسرو نشید و از روان بنویشد و از تن بکوشید که شاید بیوستان وصال دیدار

و از گل بیهال بویید و از لقای بزوال حصه برید و از این نسیم خوش صبا می معنوی غافل نشوید
 و از این رایحه قدس روحانی بی نصیب نمانید . این پسند بند با بگسند و سلسله چون
 عشق را بجنبانند . دلها را بد لرزانند و جانها را بجان سپارد و نفس بکند چون
 طیر روحی قصد آشیان قدس کند . چه شبها که رفت و چه روزها که در گذشت و چه وقتها
 که با خرسید و چه ساعتها که بانها آمده و جز با اشتغال دنیای فانی نفسی بر نیاید .
 سعی نماید تا این چند نفسی که باقی مانده باطل نشود . عسرها چون برق میگذرد و فرقتها
 بر بستر تراب مقرر منزل گیرد . دیگر چاره از دست رود و امور از پشت . شمع باقی
 بی فانوس روشن و منیر گشته و تمام حجابات فانی را سوخته . ای پروانه خان بی پروا
 بشاید و بر آتش زیند و ای عاشقان بیدل جان بر معشوق بیاید و بی رقیب نزد
 محبوب روید . گل مستور ببار آمد ، بی ستر و حجاب آمد و بکل ارواح معده
 ندای وصل میزند ، چه سیکوت اقبال مقبلین فمینیاً للفاترین بانوار حسن بدیع .

هوایند

ای یزدان مهربان یارانت میر و سامانند و دوست
ایسر در دست عوانان از بر طرف تیر و سنانی و از هر تخی
بی امان با وجود این سرگشته گوی تواند و آشفته موی تو و
ولداده روی تو هر طائی را ولادانند و هر دردی در مان
غل و بنجر را تاج و سریر یابند و زندان را ایوان بی پایان دانند
بکلی جانفشانند ای خداوند هوشمندان را بنوار و بهدم و همراز
عبد البهت ساز تا کل جان و دل در کف گرفته سازد گاه
تو نمائیم و روی تو جوئیم و بکوی تو پی بریم در ارتو گوئیم
تو فی معتمد و توانا و واقف و بینا.

ع ع

ہوالا بھی

ای بسبب خوش احسان گلشن عشق وقت آنست کہ از فرقت پر حرقت سلطان
گل در صحن چمن بنالی و بزاری و بسوزی و بگذاری و این ترانہ آغاز کنی و باین نوا بنوازی
و کار و لها بسازی ای مہر منور، ای روح مصور، ای نور مشہر، فریاد ز ہجرت
ای شمس حقیقت، ای نور ہویت، ای شمع ہدایت، فریاد ز ہجرت و الہیاء علیک
و علی حببتہ من ہذا العبد البائس لفقیر .

ع ع

استمرار اخبار مولمه مصیبات وارده بر یاران ایران و شهادت جمعی از آنان در طوسی سه سال گذشته، در کشوری که اکنون در آن جامعه مقهور و محنت زده بندگان حضرت رحمن مورد تعدی و تجاوزند و گرفتار هراس و اضطرابی بی امان، اهل بهار را در سراسر جهان دچار سوز و حرمان بی پایان ساخته است. در سرزمینی که جلوه و سطوع قهرمانان و چنانچه از انرسله‌های متوالی را منور ساخته ظلم و شقاوت وحشیانه‌ای روز افزون پیروان اسم اعظم، اخلاف شایسته مطالع انوار، را در بر گرفته است شاهد و ناظر بوده‌ایم که چگونه بیت حضرت نقطه اولی رادشیراز و خانه اجدادی حضرت بهاء الله را در تار و کوبی ویران ساخته اند و کلیه موقوفات امری از جمله اماکن متبرکه را متصرف شده اند، و عمده اموال و دارایی جامعه را ضبط کرده اند. شاهد و ناظر بوده‌ایم که با چه قساوت و بی رحمی مانع ورود اطفال بهائی بمدارس شده اند و مستخدمین بهائی را از مشاغل دولتی اخراج و حقوق اولیه انسانی احیای ممتحن را مسلوب و وسیله معاش و زندگانی شان را مختل یا ویران ساخته اند و خانه‌هایشان را غارت و اموالشان را تصرف کرده و شمع حیاتشان را خاموش ساخته اند.

با معان نظر در تاریخ اضطهادات و تضییقات وارده بر احمای ایران این نگرانی حاصل میشود که اعداء قدیمی امر هر روز بنحو علنی تر و رسمی تری یگانه هدف و مقصودشان یعنی قلع و قمع امر بهائی در موطن اصلی اش را بموقع اجراء میگذارند، در گذشته ایام، با استثنای چند مورد خاص، اذیت و آزار اعضای جامعه بهائی توسط دشمنان دیرین امر الله بطور پراکنده و اتفاقی و نتیجه تحریک عرق عصبیت جهال و ترغیب عوانان به حمله و هجوم بر جان و مال احماء بود.

حال دشمنان این امرنازنین با قرار و اعتراف خود طی بیست و پنج سال اخیر بقصد و نیت مقابله با نفوذ امر الهی متشکل شده اند تا مقصود مرام و تعالیم امر بهائی را مشتبه سازند و به قدح و ذم آن پردازند و با اشتعال نارضعینه و بغضا و تهیج احساسات مذهبی، احمای الهی را متوحش کنند و بستوه آورند و بذر ارتیاب را در مزرعه قلوب و افکار دوستان رحمانی و محبان امر سبحانی بیفشانند. حال این دشمنان در بین مقامات دولتی رخنه کرده و از این طریق با اشغال مناصب و مشاغل مساعد بمقاصد سوء شان موجب و مسبب ظهور و بروز تضییقات و بلایا بر اهل بهائیان

شده اند. لهذا موارد هتك و سلب حقوق حقه احبای الهی یوما فیوما "در از دیاد و گزارشها ئیکه در
 ماههای اخیر در جراید ایران نشر یافته بهترین شاهد و گواه این اقدامات است. مثلا" در
 گذشته هرگاه بهائیان را توقیف میکردند بآنها فرصت میدادند در نوعی از محاکم قضائی
 که فقط بخاطر تظاهر با اجرای عدالت تشکیل میشد از خود دفاع کنند. در یک مورد قسمتی از این
 محاکمات که منجر به اعدام هفت تن از یاران استمدیده در سپتامبر ۱۹۸۰ در یزد گردید از
 تلویزیون پخش شد. اما اخیرا "محاکمات مزبور، حتی اگر انجام گرفته باشد بصورت سری
 و محرمانه بوده و حتی گزارشهایی حاکی از اعمال زجر و شکنجه قبل از اجرای حکم اعدام
 دریافت شده است. دیگر به اقوام و بستگان احبای محبوس اجازه نمیدهند، طبق آنچه تا
 این اواخر معمول بود، از محبوسین ملاقات کنند. دیگر به محکومین با اعدام اجازه نمیدهند
 قبل از اجرای حکم اعدام برای تسلی خاطر اعضاء خانواده خود نامه خدا حافظی یا وصیتنامه
 بنویسند و مصیبت بارتر از همه آنکه چون مقامات دولتی از اجتماع تعداد کثیری از یاران و
 سایر نفوس که جهت ابراز همدردی در مراسم تشییع و تدفین احبای مقتول گرد میآمدند
 متوحش و هراسان شده اند، گلستان چا وید را در طهران تصرف کرده در آنجا اجازه دفن
 نمیدهند. حتی خانواده های نفوسی که اخیرا " شهید شده اند را از اعدام مخفیانه عزیزانشان
 مطلع نساختند و اجساد مطهره آن عزیزان را بدون رعایت تشریفات در قبوری که برای "کفار"
 اختصاص داده اند مدفون ساختند و این جریانات بنحوی تصادفی کشف و معلوم گردید.
 گرچه ظالمان ادعا میکنند بهائیان را بحریم جاسوسی و فعالیت بعنوان عوامل سیا
 میکشند اما محقق شده است که تقریبا در تمام مواردی که افراد احباء را اعدام کرده اند
 بهر یک از آنان تبری از عقیده و ایمان را بعنوان وسیله استخلاص پیشنهاد کرده اند.
 اعداء لدود امرالله گمان میبرند که اضطهاد ایشان سبب تزلزل بنیان و اسوداد سطوء
 و لمعان امر حضرت یزدان خواهد شد. زهی افسوس زهی افسوس بر این حماقت و بر این جهالت
 این اعمال ظالمانه نه تنها عزم راسخ یاران را تضعیف نمیکند، بلکه همواره سبب
 اشتعال نار غیرت و حمیت و انبعاث جان و وجدان نشان است. بفرموده حضرت عبدالیهاء "پنداشند
 که تشدد و تعرض سبب خمودت و خاموشی گردد و بادی قمع و فراموشی و حال آنکه تعرض با مـ
 وحدانیه سبب ثبوت و رسوخ گردد و بادی توجه انظار و نفوس و این قضیه بکرات و مراتب به تحریر
 رسیده .

اهراقدماء شهیدان دلیر وآه وانین قربانیان دم فروبیسته ظلم وطفیان، تضرع و
ابتهاال یاران در طلب عون و صون حضرت رحمن همواره منشاء ظهور و بروز قوای مکنونه بوده و
خواهد بود که هیچکدام مخالفان امر اعظم را بر آن تسلطی نیست. این قوای عنایات شامله
الهیة معطوف و مصروف نشر و اعلان نام و شهرت امراله در بین جمهورناس در قارات عالم
گردیده است و ملیون ها نفر از مردمانی که قبلا از وجود امر بهائی بی خبر بوده یا از آن اطلاعی
چیزی وغالبا " ناصواب داشته اند از تاریخ و تعالیم این امر مطلع شده اند.

تضییقات واضطهادات جاریه سبب شده است که جهانیان بنحوی کاملاپی سابقه متوجه
نام و شعائر این امر عزیز شوند و در نتیجه شکوائیه‌هایی که جامعه جهانی ستاینندگان اسم اعظم
برای اولیای حکومت ایران ارسال داشته اند و سپس چون شکوائیه‌های مزبور مورد توجه
قرار گرفت اقداماتی که در ارائه دادن وضع احبای ایران به متصدیان و سائط ارتباط
جمعی معمول داشته اند، و مراجعات مستقیم موسسات ملی و بین المللی بهائی به دولتها
و جوامع بین الدولی و موسسات بین المللی و نفس سازمان ملل نه تنها امر حضرت بهاء الله
مورد توجه موافق و مطالب مجامع جهانی واقع شده بلکه حقانیت آن و حقوق مسلوبه اش مورد
بحث و مذاکره قرار گرفته و قرارهای صادره دائر بر اعتراض از طرف دول مستقله منفردا "
یا محتمعا " جهت اولیای امور ایران ارسال شده است. مطبوعات مهم عالم و جرائد محلی
مطالب مشروح و موافقی درباره امر بهائی به خوانندگان خود عرضه داشته اند و تلویزیون ها
و رادیوها نیز تضییقات وارده بر احبای ایران را بنحور روز افزونی موضوع برنامه‌های خود قرار
داده اند و موسسات بزرگ طبع و نشر کتاب شروع به عقد قراردادهایی برای تهیه و انتشار
کتبی درباره امر کرده اند.

اما علیرغم این موج عظیم اعلان و اشتها را امر بهائی که نظر جماعات کثیری از مردم
را متوجه نام امر میسازد و علیرغم مراجعات متعددی که به اولیای امور در ایران میشود
صدمات و تضییقات وارده بر احبای ایران همچنان ادامه دارد.

جهان در برابر این بی تفاوتی و بی اعتنائی شدید اولیای امور در ایران نسبت به افکار و
انتقادات عمومی در خارج عاجز و ناتوان مانده است. در برابر این انسداد طریق
مصیبت بار، ما فقط میتوانیم مجهودات خود را جهت تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله
مضاعف سازیم و از رغبت و توجه روز افزونی که نسبت به شعائر و اصول امرنازنین در اثر

بلائی و آورده برجامه بهائی ایران بوجود آمده بحداکثر استفاده کنیم .

فی الحقیقه این موج جدید بلایا و تضحیقاتی که مهد امرالله را دربر گرفته میتوان توفیقی اجباری دانسته یعنی " عنایتی " که " بلا "یش را طبق معمول، جامعه محبوب احبای ایران قهرمانانه پذیراشده اند. این حوادث را میتوان حرکت اخیر در نقشه عظیم الهی دانست و نفعه دیگری محسوب داشت که در صورالهی جهت بیداری غافلان از خواب غفلت، دمیده میشود و فرصتی طلائی برای احباء بشمار آورد که با دیگر وحدت و یگانگی خود را در مقابل دیدگان جهان مردد و شکاک و روبرو ال عرضه کنند و پیام حضرت بهاء الله را با قوت تمام به وضع و شریف یکسان اعلان نمایند و احترام امر بهائی را برای اسلام و پیا میرا به ثبوت رسانند و اصل عدم مداخله در فعالیتهای سیاسی و اطاعت از حکومت را که از اصول اساسیه این امر عظیم است موکدا " اعلام دارند و سبب تسکین خاطر حزین و تسلائی قلوب کثیبه ستم دیدگان با صبر و قرا و قهرمانان ثابت قدم و فادار که در صف مقدم جامعه بلاکشیده قرار گرفته اند باشند. شعار ما در این ایام تیرگی و افسردگی که جهان را فرا گرفته با یــــد کلمات الهی باشد که خطاب به جمال اقدس ابهی نازل گشته " اذا رایت سیفا " ان اقبل، اذا طار سهم ان استقبل " .

تعیین میزان تاثیر بحران کنونی در سیر تقدم امر مظفر نمون الهی بر عهده مورخین آینده خواهد بود .

در اعتبار مقدسه بکمال ابتهال به تقدیم ادعیه حاره مالوف و شمول عنایات جمال اقدس ابهی را جهت عشاق و عزیزانش در سراسر عالم ملتمیم تا آنرا مساعدت و تائید فرماید که با اطمینان و ایقان با مشکلات آینده موجه گردند .

باتحیات ابدع ابهی
بیت العدل اعظم الهی

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

26 January 1982

The Bahá'ís of the World

Dearly-loved Friends,

With indignation and anguish the Bahá'ís of the world, over the past three years, have received continuously tragic news of the sufferings and martyrdoms of their brethren in Iran, where a reign of relentless terror is now encompassing that long-abused and downtrodden community. The inhuman cruelties heaped on the followers of the Most Great Name—worthy descendants of their forebears, the Dawn-Breakers—in that land where the heroes and martyrs of the Faith have shed such lustre on their generations, are increasing daily. We have seen how the House of the Báb in Shíráz and Bahá'u'lláh's ancestral home in Tákur have been demolished, all Bahá'í endowments, including our Holy Places, have been seized, and the main financial assets of the community sequestered. We have seen with what callousness Bahá'í children have been refused admission to schools, Bahá'í employees dismissed from government positions, and the essential human rights of the sorely-tried Bahá'ís violated, their means of livelihood undermined or destroyed, their homes plundered, their properties confiscated, their very lives snuffed out.

Contemplating the history of the persecution of the Bahá'ís of Iran, we note an alarming acceleration in the degree of blatancy with which the traditional enemies of the Faith pursue their single purpose of extirpating the Faith in the land of its birth. In the past, with the exception of a few specific instances, the persecution of the members of the Bahá'í community by those traditionally inimical to the Faith, was random and sporadic, resulting from the incitement of easily aroused mobs to attack the lives and properties of the Bahá'ís.

Now the enemies of God's precious Cause who, as they themselves attest, have in the past twenty-five years organized themselves to counteract the influence of the Faith, to vilify and misrepresent its purpose and teachings, to inflame religious passions leading to the harassment and intimidation of the believers, to sow seeds of doubt among the friends and sympathizers, have infiltrated the ranks of officialdom, where, from this more advantageous position, they continue to instigate the persecution of the Bahá'ís. The incidence of violation of the rights of the Bahá'ís is thus becoming more frequent as is well evidenced by reports published in the press of Iran in recent months. Examples abound. For instance, formerly when Bahá'ís were arrested they were given an opportunity to defend themselves in some form of judicial proceedings held for the sake of appearances. On one occasion part of the proceedings which resulted in the execution of seven believers in Yazd, as late as September 1980, was televised. But recently the court proceedings, if any, have been held *in camera*, and reports have even been received of the torture of Bahá'ís before their execution. No longer are the relatives of imprisoned Bahá'ís permitted to visit them, as they were until recently; no longer are the condemned permitted to solace their families with letters of farewell or the making of wills before their execution; and, more tragically, disturbed by the large number of Bahá'ís and sympathetic people of other religions who attended the funeral services of the slain Bahá'ís, the authorities have now seized the Bahá'í cemetery in Teheran and do not permit burial there. Indeed, the families of those most recently martyred were not even notified of the

secret execution of their loved ones, whose bodies, unceremoniously deposited in graves for "infidels", were only fortuitously discovered.

Although the oppressors maintain that they are killing the Bahá'ís because they are guilty of serving as political agents and spies, it has been ascertained that in almost every instance of execution, the accused Bahá'í was offered recantation as a means of release.

The inveterate enemies of the Faith imagine that their persecutions will disrupt the foundations of the Faith and tarnish its glory. Alas! Alas for their ignorance and folly! These acts of oppression, far from weakening the resolve of the friends, have always served to inflame their zeal and galvanize their beings. In the words of 'Abdu'l-Bahá, "... they thought that violence and interference would cause extinction and silence and lead to suppression and oblivion; whereas interference in matters of conscience causes stability and firmness and attracts the attention of men's sight and souls; which fact has received experimental proof many times and often."

Every drop of blood shed by the valiant martyrs, every sigh heaved by the silent victims of oppression, every supplication for divine assistance offered by the faithful, has released, and will continue mysteriously to release, forces over which no antagonist of the Faith has any control, and which, as marshalled by an All-Watchful Providence, have served to noise abroad the name and fame of the Faith to the masses of humanity in all continents, millions of whom had previously been totally ignorant of the existence of the Faith or had but a superficial, and oft-times erroneous, understanding of its teachings and history.

The current persecution has resulted in bringing the name and character of our beloved Faith to the attention of the world as never before in its history. As a direct result of the protests sent by the world-wide community of the Most Great Name to the rulers in Iran, of the representations made to the media when those protests were ignored, of direct approach by Bahá'í institutions at national and international level to governments, communities of nations, international agencies and the United Nations itself, the Faith of Bahá'u'lláh has not only been given sympathetic attention in the world's councils, but also its merits and violated rights have been discussed and resolutions of protest sent to the Iranian authorities by sovereign governments, singly and in unison. The world's leading newspapers, followed by the local press, have presented sympathetic accounts of the Faith to millions of readers, while television and radio stations are increasingly making the persecutions in Iran the subject of their programmes. Commercial publishing houses are beginning to commission books about the Faith.

But in spite of this great wave of publicity now bringing the name of the Faith to the attention of large masses of mankind, and in spite of the many representations made to the authorities in Iran, the persecution of the Bahá'ís there continues. The world stands helpless before the imperiousness of that country to outside opinion or criticism. In face of this tragic impasse we can only redouble our efforts to teach the Cause, taking advantage of the increasing interest in the character and principles of our beloved Faith created by the sufferings of the Persian community.

Indeed, this new wave of persecution sweeping the Cradle of the Faith may well be seen as a blessing in disguise, a "providence" whose "calamity" is, as always, borne heroically by the beloved Persian community. It may be regarded as the latest move in God's Major Plan, another trumpet blast to awaken the heedless from their slumber and a golden opportunity offered to the Bahá'ís to demonstrate once again their unity and fellowship before the eyes of a declining and skeptical world, to proclaim with full force the Message of Bahá'u'lláh to high and low alike, to establish the reverence of our Faith for Islám and its Prophet, to assert the principles of non-interference in political activities and obedience to government which stand at the very core of our

Faith, and to provide comfort and solace to the breasts of the serene sufferers and steadfast heroes in the forefront of a persecuted community. Our motto in these days of world-encircling gloom should be the Words of God addressed to the Blessed Beauty Himself: "When the swords flash, go forward! When the shafts fly, press onward!"

Future historians will have to assess the impact of this crisis on the onward march of a triumphant Faith. A detailed list of the steps that have already been taken by the Bahá'ís of the world during the past three years is attached for the study of the friends.

Our fervent prayers are offered most ardently at the Holy Shrines for the blessings of Bahá'u'lláh to surround His lovers and loved ones in every land, and to assist and confirm them as they face with certitude and confidence the challenges of the future.

With loving Bahá'í greetings,

The Universal House of Justice.

ترجمه پیام بیت العدل اعظم

الهی خطاب به احبای عالم مورخ

رضوان ۱۳۹ بدیع (۱۹۸۲)

یاران عزیز و محبوب :

سالی که حال بپایان میرسد با فتوحات و انتصاراتی مشخص و ممتاز گردیده که اثراتش در بسط و توسعه نطق امرالله بیش از آنست که بتوان پیش بینی واحصاء نمود. بسیاری از این انتصارات نتیجه و اثر مستقیم شهادت پایسدار یاران عزیز ایران در مواجهه با اضطهادات وحشیانه ایست که با آنان وارد میاورند. این فتوحات موجب بروز فرصت های گرانبهائی برای نشر فتوحات الله و تبلیغ امرالله گشته که اگر با جدیت و غیرت اغتنام گردد سبب اقبال نفوس کثیره و از دین دحیثیت و احترام امر حضرت رب البریه خواهد شد.

بیشرفت دلگرم کننده امور ساختمانی مشارق الاذکار در رهندوستان و ساموآی غربی ، افتتاح دومین ایستگاه رادیویی بهائی در آمریکای لاتین در پیرو ، تاسیس دفتر اروپائی جامعه بین المللی بهائی در ژنو ، پیشرفت منظم و بلا نقطاع مرحله ثانی نقشه هفت ساله ، توسعه امیدبخش تربیت امری نونهالان بهائی بنحوی منتظم و مرتب ، انفاق کریمانه اموال و فداکاریهای تعداد دائم التزایدی از یاران ، حملگی و فور تائیداتی را شاهد و گواه است که حضرت بهاء الله بدان وسیله مساعی خالصانه عزیزانش در سراسر جهان احروپا داش عطا مینماید . عطف توجه عالمگیر و ساط ارتبساط جمعی به امرالله که منجر به فتح ابواب جهت اعلان پیام الهی به جمیع طبقات مردم شده است و حسن نیت عالی ترین مجالس و محامع عالم در مذاکرات و مشاوراتشان در خصوص این پیام ملکوتی و نتیجه اقداماتی که از جانب دول مستقله و مقامات بین المللی معمول گردیده در تاریخ امر بهائی بی سابقه و نظیر است .

دوستان عزیز، آنچه گذشت سال فرخنده فالی را نویدمیدهد که سرشار از وقایع مهمه امریه است. بمناسبت مزی پنجاه سال از صعود حضرت ورقه علیا در پینج مؤ تمرین المللی ونیز با انتشار کتابی که در مرکز جهانی عالم بهائی تهیه شده و حاوی متونی درباره آن خانم اهل بها و یکصد طغرا دستخط آن ثمره سدره منتهی است خاطره حیات ابدی آلاثار آن بقیه البهائ مؤرد تجلیل و تکریم قرار خواهد گرفت، بیت العدل اعظم به مقر دائمی انتقال خواهد یافت، ماه نوامبر مصادف با بیت و پنجمین سال صعود حضرت ولی محبوب امرالله و اختتام نیمه اول نقشه هفت ساله خواهد بود، و این سال با انعقاد پنجمین کانوشن بین المللی و اجتماع اعضاء محافل روحانیه ملیه سراسر جهان جهت تجدید انتخاب بیت العدل اعظم در حیفاً خاتمه خواهد یافت.

مجهودات ممتازه و مساعی حمیله حضرات ایادی محبوب امرالله مایه افتخار و سرور تمامی عالم بهائی است. موفقیت قاطع قبول مسئولیت های وسیعتری توسط هر یک از هیئت های مشاورین قاره ای متدرجا " آشکار میگردد. مساعدت های شایان و روز افزون دارالتبلیغ بین المللی و کلیه مشاورین را در سیل تثبیت و توسعه نظم جهان آرای حضرت بهاء الله، نظمی که حال در مرحله جنینی است، صیمانه قدردانی و تحسین میکنیم.

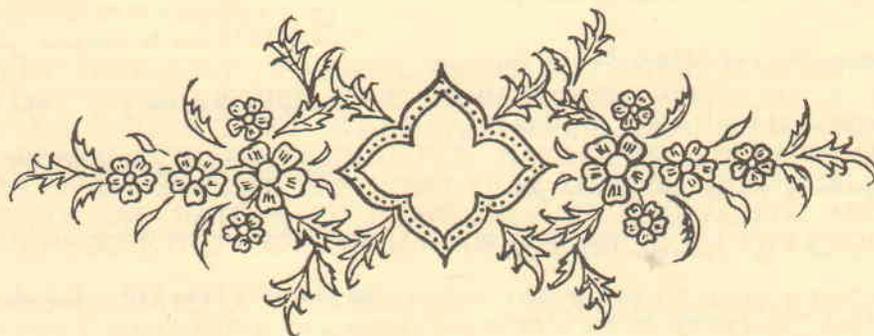
حوانان بهائی یعنی وراث روحانی مومنین دلیر صدر امررا که حال بر میراث گذشتگان اتکاء دارند دعوت میکنیم تا در این ایام که توحه و علاقه به امرالهی عمومیت یافته مساعی خود را مضاعف سازند و همسالان خود را با پیام الهی به شور و وله آرند و بدین ترتیب برای روزی آماده شوند که خود مومنینی کار آزموده و مجرب و قادر به تعهد هر نوع امور مهمه ای باشند که بآنها واگذار گردد. به این حوانان عزیز این بیان مبارک از آثار قلم اعلی راهدیه میکنیم:

" طوبی از برای نفسی که در اول جوانی و ریعان شباب بر خدمت امر مالک مبداء و مآب قیام نماید و به حبش مزین شود. ظهور این فضل، اعظم از خلق السموات والارض است. طوبی للراسخین و نعیمما " للثابتین "

شمس جمال ابھی درحال طلوع وسطوع وتأثیر انوارش برعرصہ جهان وجامعہ
 یاران مشہود وعیان . فرصت ہائی کہ ہموارہ برای تبلیغ آرزو میکردی—
 ہمراہ باشمول تاءئیدات ، متزایدا " موجودوہر فردبہائی وہرمحفل روحانی محلی
 وملی راہہ میدان میطلبد . بذرہای مرغوبی کہ بیدمبارک مرکز میثاق افشانده
 شددریطن نظمی کہ بمشیت الہیہ ایجادگردیدہ وحضرت ولی امراللہ آنرا تبیین
 وبہ نحوی رصین تاءئیس فرمودہ اندآغاز بہ انبات نمودہ است . عالم بشر
 تقریبابہ زانودرآمدہ ، بی شبان وسرگردان ، وبرای قوت لایموت گرسنہ و
 وناتوان تقدیم کنیم . ملل عالم از نظریہ های سقیم سیاسی وسیستم ها ونظامات
 نارسای اجتماعی نا امیدوما یوس ودانستہ وندانستہ در طلب عشق ومحبت الہی و
 وصال معبود حقیقی اند .

باید این ندارا کہ بنحوی روز افزون ما را بہ خدمت میخوانند باقیامی شدید
 در تبلیغ امر رب مجید بنحوی موثر و مفید اجابت کنیم یعنی نارملکوٹی را کہ
 حضرت بہاء اللہ در افتدہ وقلوبمان برافروختہ در دل وجان مردمان برافروزیم
 تا التهاب حاصل از اشتغال قلوب ملیون ہا نفوس بنا رحمیت اللہ ، گواہی دہد
 یومی کہ طلعات قدسیہ این امر مبارک ظہورش را با دعیہ حارہ خواستاری بودند
 بالاخرہ طالع شدہ است .

بیت العدل اعظم الہی



" ترجمه "

شرح اقدامات قهرمانانه یاران مهد
امرالله قلوب ما را سرشار از اعجاب و
سیاس و تحسین میکند. هر قدر ظالمان بر
شقاوت خود میافزایند، حامیان مخلص اعظم
میزان تحمل و ثبات قدم خویش را ارتقاء
میدهند.

از هنگام آخرین راپرت مورخ ۱۱ ژانویه
۱۹۸۲، تاج شهادت زینت بخش راسد و نفس
محبوب دیگر شد: حسین وحدت حق از طهران
و ابراهیم خیرخواه از بابل سر—
اولی، یک مهندس عالیقدر رشته الکترونیک
در تاریخ ۲۸ فوریه مقارن بالیله بعثت
حضرت رباعلی، بر حسب تقویم قمی
اعدام شد و آقای خیرخواه، از یاران
فعال منطقه بحر خزر دوروز قبل از آن به
چنین سرنوشتی پیوست. اجساد اعدام شدگان
بدون اطلاع اقوام و دوستان و رعایت
تشریفات و مراسم بخاک سپرده شده است.

مصادره خانه های احبای بیگناه بدون
سبب و مجوز همچنان ادامه دارد. غارت
و حراج اثاث البیت یک خانه بهائی

در اردکان نزدیک یزد مقدمه یکرشته
حمله و هجوم به خانه های دیگر احبای در
آن شهر شده. در شیراز ۱۷ خانه دیگر یا تاکنون
مصادره شده و یاد رجریان آن است.

۳۵ حساب بانکی دیگر متعلق به یاران شیراز
مسدود گردیده است. ده ها تن از احبای
مشاغل خود را از دست داده، از اداره کار
و کسب خصوصی خود محروم شده، یا پروانه
تجارت و کار آنها لغو گشته است. در یک مورد
مقامی عالی رتبه برابر سؤال شرکت بیمه
حکم داده است که یک بیوه بهائی حق
دریافت نصف حقوق بازنشستگی شوهر را که
به مشارالیه تعلق میگرفته، نداشته
و حق سرپرستی فرزندانش از وی سلب میشود.
مکانهای تاریخی بهائی، از جمله بیت
بابیه در مشهد یکی پس از دیگری تخریب
شده است. در برابر چنین اقدامات
ظالمانه، هزاران بهائی ایرانی بی اعتناء
به عواقب وحشتناک ناشی از آن، بانهایت
شهامت بوسیله نامه یا تلگراف خطاب
به مقامات عالی در سطوح مختلف ملی
و محلی درباره اعمال بربریت و بی عدالتی
محض دادخواهی و نام و نشانی خود را نیز
ذکر کرده اند و ضمن آن اظهار امیدواری —
نموده اند که خشیته الله، افراد تشنه بخون

و کینه توز را مآلا" بیدار کند تا به قبـح
اعمال خود در سوء استفاده از قدرت پی برده
در صد آن بر آیندا ز ارتکاب این قبیل
کارهای زشت و ناروا که موجب اشمئزاز ^{طلبه} رقاب
افراد متمدن است دست بردارند.
بهاثیان ایران از خواهران و برادران خود
در سراسر عالم ممنون و سپاسگزارند که
نه تنها با موفقیت فریادشان را در مجامع
ملی و بین المللی بلند کرده اند، بلکه

همچنین تقبل و تعهد نموده اند که مجهود ^{تشان}
را در خدمت بحضرت بهاء الله بنام
همکارانشان در مهدها، مرا الله مضاعف سازند،
تا از این راه مکاید و حیل شیطانی دشمنان
امر را که نقشه قلع و قمع کامل امر الله
را در مولد و موطن اصلیه اش طرح کرده اند،
خنثی سازند.

(امضاء) بیت العدل اعظم

BAHA CANADA TOR. 9 MARCH 1982

ACCOUNTS HEROISM BELIEVERS CRADLE FAITH, FILL OUR HEARTS WITH FEELINGS OF AWE, GRATITUDE, ADMIRATION. MOUNTING CRUELITIES OPPRESSORS MATCHED BY HEIGHTENED ENDURANCE STEADFASTNESS STAUNCH SUPPORTERS GREATEST NAME.

SINCE LAST REPORT ON 11 JANUARY 1982 CROWN MARTYRDOM HAS ADORNED TWO MORE LOVING SOULS, HUSAYN VAHDAT-I-HAQ OF TEHERAN AND IBRAHIM KHAYRKAH OF BABU'L SAR. THE FORMER, A HIGHLY QUALIFIED ELECTRONICS ENGINEER, WAS EXECUTED ON 28 FEBRUARY. EVE OBSERVANCE DECLARATION BAB ACCORDING LUNAR CALENDAR, AND MR. KHAYRKAHJ, ACTIVE BELIEVER CASPIAN AREA, TWO DAYS EARLIER. BOTH EXECUTED BURIED UNCEREMONIOUSLY WITHOUT RELATIVES, FRIENDS BEING INFORMED.

CONFISCATION OF HOMES INNOCENT BAHAI WITHOUT PROVOCATION IS CONTINUING. LOOTING AND AUCTIONING OF FURNISHINGS OF BAHAI HOME IN ARDIKAN NEAR YAZD WAS PRELUDE TO SERIES SIMILAR RAIDS ON HOMES OTHER BAHAIS THAT TOWN. IN SHIRAZ 17 MORE HOMES EITHER CONFISCATED OR IN PROCESS CONFISCATION. 35 ADDITIONAL BANK ACCOUNTS OF BAHAIS IN SHIRAZ NOW FROZEN. SCORES OF BAHAIS HAVE LOST THEIR JOBS OR BEEN DEPRIVED THEIR BUSINESS AND TRADE LICENSES. ON ONE OCCASION A HIGH-RANKING AUTHORITY DECREED, IN REPLY TO QUESTION FROM INSURANCE COMPANY, THAT A BAHAI WIDOW HAD NO RIGHT COLLECT HALF HER HUSBAND'S PENSION DUE HER NOR RETAIN CUSTODY HER CHILDREN. HISTORIC BAHAI SITES PROGRESSIVELY BEING DEMOLISHED INCLUDING HOUSE BABIYYIH IN MASHHAD.

IN FACE SUCH OPPRESSIVE MEASURES, THOUSANDS BAHAIS IRAN UNMINDFUL OF POSSIBLE DIRE CONSEQUENCES, HAVE COURAGEOUSLY APPEALED BY LETTER OR CABLE TO VARIOUS HIGH OFFICIALS AT NATIONAL AND LOCAL LEVELS COMPLAINING ABOUT BARBARIC ACTS, GROSS INJUSTICE, HAVE REVEALED THEIR NAMES AND ADDRESSES HAVE EXPRESSED HOPE THAT FEAR GOD WILL ULTIMATELY AWAKEN BLOODTHIRSTY AND HATE-FILLED INDIVIDUALS TO DISGRACEFUL ABUSE THEIR POWERS AND INDUCE THEM CEASE BEHAVIOUR ABHORRENT ALL CIVILIZED PEOPLE.

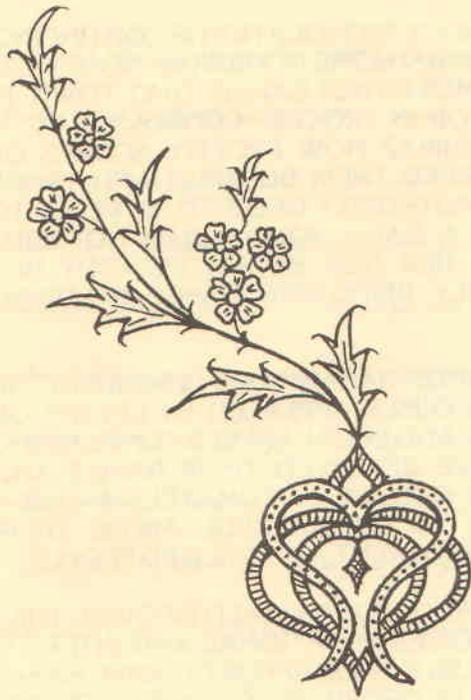
BAHAIS IRAN ARE GRATEFUL THEIR BRETHERN THROUGHOUT WORLD BECAUSE THEY HAVE NOT ONLY SUCCESSFULLY RAISED THEIR VOICES IN NATIONAL AND INTERNATIONAL FORUMS BUT ALSO HAVE PLEDGED REDOUBLE THEIR EFFORTS SERVE BAHAI U'LLAH IN NAME CO-WORKERS CRADLE FAITH, IN ORDER TO COUNTERACT EVIL MACHINATIONS ENEMIES CAUSE DESIGNED ERADICATE FAITH IN LAND ITS BIRTH.

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

14 JANUARY 1982

MARTYRDOM SHIDRUKH AMIR-KIYA WIFE MANUCHIHR BAQA, SIGNIFICANT. SHE AND HUSBAND WERE HOSTS LOCAL ASSEMBLY TEHRAN WHEN THEIR HOME RAIDED AND BOTH WERE ARRESTED ALONG WITH 6 MEMBERS ASSEMBLY. AS IN OTHER CASES PRESSURE WAS BROUGHT RECANT FAITH SAVE LIVES. UNFORTUNATELY APPEARS HUSBAND DID NOT STAND TEST AND AS PUBLISHED NEWSPAPERS RENNOUNCED FAITH AND WAS IMMEDIATELY RELEASED. HE INCREASED PRESSURE HIS WIFE SHIDRUKH BY PLEADING HER FOLLOW HIM. SHE CHOSE CROWN MARTYRDOM REUSED BETRAY HER FAITH AND JOINED RANK IMMORTALS. HISTORY WILL EVER EXTOL EXEMPLARY COURAGE RESOLUTE FAITH. ONE WHO SACRIFICED HER LIFE THRESHOLD HER BELOVED.

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE



تلکس واصلہ از بیت العدل اعظم آلہی

مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۲

"ترجمہ"

شہادت شیدرخ امیرکیا همسرمنوچہریقا
حائز اهمیت است۔ مشارالیها وشوهرش
میزبانی محفل روحانی طهران را برعهده
داشتند کہ بخانه شان حمله شد و هر دو همر
ش تن اعضای محفل دستگیر گردیدند۔
همانند موارد مشابه، بر آنان فشار وارد
آمد کہ امر آلہی را انکار و جان خویش را
نجات دهند۔ ظواہر نشان میدہد کہ
متاسفانہ شوهر این امتحان را تحمل نکرد
و بطوریکہ شرح آن در جرائد آمدہ امر آلہی
را محکوم نیز کردہ است و در نتیجہ فی الفور
آ زاد میشود۔ آنگاہ همسرش شیدرخ را
تحت فشار دائم التزاید قرار میدہد کہ از
وی تبعیت کندہ لکن مشارالیهاتاج
شہادت را انتخاب و از خیانت بہ آئین خود
امتناع نمود و بصفوۃ چاودانان پیوستہ
تاریخ الی الابد از این شجاعت بی مثیل
در ایمان راسخ بانوئی کہ جانش را فدای
آستان محبوبش نمود ستایش خواهد کرد۔

(امضاء) بیت العدل اعظم

22 MARCH, 1982

CONGRATULATIONS PUBLICATION ANDALIB PERSIAN MAGAZINE CONVEY DEEP APPRECIATION THOSE RESPONSIBLE PRODUCE SUCH TASTEFUL, TIMELY, DIGNIFIED PUBLICATION. ASSURANCE PRAYERS.

UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

ترجمہ مکتس واصدہ از بیت العدل اعظم لآلہ شہداء ارکانہ

۲۲ مارچ ۱۹۸۲

انتشار مجلہ فارسی عندلیب را تبریک گفتہ تحسین عمیق ما را بجا طہنہن مجلہ
سرشار از ذوق و بموقع و درین بہ مسئولین ابلاغ و با دعویہ ما اطمینان دہید .
بیت العدل اعظم

خدا میں مجلہ فارسی عندلیب متبہر و مفتخرند بہ بیت العدل اعظم لآلہ شہداء ارکانہ
ایں خدمت ناخیر لاریج نکاہہ و بصرف فضل و مہبت باخبرہ مکتس فوق قلوب
ایں مشتاقان و شاد و مہم جانہ لاریج عجمیرش معین فرمودند .
در نہایت اتم و ہدایت آئمہ محمد علی اطاب و خدایتان لایتمیم
مجلہ عندلیب

رَدِّ اِتِّهَامَات

دردنباله مصاحبه ریاست محترم دیوان عالی کشور، آیت الله موسوی اردبیلی و احتمالا بمنظور جوابگوئی به مطبوعات و رسانه های گروهی دنیا (باصلاح روزنامه محترم کیهان جنجال دستگاههای تبلیغاتی غرب) درباره اعدام بهائیان و مجددا در مصاحبه مطبوعاتی روز ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ از حضرت آیت الله گیلانی رئیس دادگاههای شرع طهران که در کیهان شماره ۱۱۴۸۸ مورخ ۶۰/۱۰/۳۰ درج شده است در این زمینه پرسش میشود، و ایشان بالحنی خشونت آمیز و نفرت بار بهائیان را بابت تهمت و افترا گرفته و عقیده خویش را نسبت بجامعه مزبور بیان داشته اند، که در کیهان منعکس گردیده، گرچه جامعه مظلوم و ستمدیده بهائی ایران در مدتی بیش از یک قرن متوالی در معرض اینگونه حملات و کشتارها و هدم و غارت قرار داشته و با رذیه های بسیاری و تهمتهای ناروا و فتوای فراروان مواجه بوده و بلایا و مصائب بیشماری از طرف علما و حکام متحمل شده و چون مقابله بمثل برخلاف معتقداتش میباشد امور را بخداوند متعال تفویض و جوابی باین مطالب نداده است لکن در این ایام که مدعیان خود بر مسند قضاوت جالس و با استفاده از قدرت مقام، و در اختیار داشتن جمیع وسائل و سلب دفاع از مظلومان یوما "فیوما" بر ظلم و ستم میافزایند و اتهامات واهی و کذب محض در مطبوعات منتشر میسازند، سکوت را چایسته ندانسته، باختصار جوابی مرقوم میدارد هر چند غیر محتمل است در جائی انتشار یابد و یا حضرت قاضی محترم بخوانند، و بظن قوی بر خصومت و شدت عمل نیز خواهند افزود مع هذا غریق را از آب چه باک؟

نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

حاکم محترم شرع در جواب سؤال خبرنگار فرمودند: روشن شده که این گروه و یا فرقه برای سازمانهای استعماری جاسوسی میکنند و خساراتی را که این فرقه ضاله مضره باین مملکت وارد آورده اند، الله اکبر از طرز بیان ایشان تعصب و نفرت مشهود مدعی بودن نماینده محترم عدالت را در مقام قضا و روشن میدارد. چون اتهام بدون دلیل نشانه خصومت است و این تهمت ها عینا " همان است که مخالفان امر بهائی برای بهائیان سالها گفته و در رذیه های خود

هرگاه بخوانند ۱

نوشته و هیچگونه دلیل و مدرکی ارائه نفرموده اند بعلاوه ، تعصب بقدری شدید است که نام بهائی بر زبان نیاورده و این گروه یا فرقه عنوان نموده اند ، شاید قبول نفرمایند که بهائی دیانت مستقلی است که دارای کتاب آسمانی و تعالیم الهی و اهداف خاص بشر دوستی میباشد و ملیونها پیرو آن در اطراف و اکناف جهان بر این عقیده ایمان داشته و اکثر ممالک دنیا و سازمان ملل متحد آنرا بعنوان یکدیانت مستقل پذیرفته اند . حال اگر حضرت آیت الله گیلانی بخاطر تحقیر ، فرقه عنوان فرمایند بر آن ضرری مترتب نمیشود و شاید این کلمه را وسیله ای میدانند که با اصطلاح خود بر یکی از فرق بدعت گذار اسلام حمله فرمایند . ولی باید عرض شود که این مساله مدتهاست در دنیا حل شده و دیگر کسی بهائیت را فرقه ای از اسلام نمیداند بهائیان پیرو دیانت مستقلی هستند که همه ادیان بزرگ را الهی میدانند . به معتقدات آنها احترام میگذارند و مقدساتشان را محترم میدارند . آنها میگویند موعود آسمانی کلیه ملل ظاهر شده ، اگر حضرت آیت الله این ادعا را کذب دانند ، خود قبول نفرمایند ، دیگر جنک و مبارزه و تهمت برای چه ؟ چرا حق دفاع را از پیروانش سلب میفرمایند ؟ چرا می کشید ؟ چرا زبانها را میبندید و قلمهارا می شکنید ؟ مگر این حقیقت نیست که ادعای کذب پایدار نیست ؟ و مگر خداوند مَنّان در قران کریم نفرموده است مدعی دروغ را نابود میکنم و اوقات را ست و کمکم نمیخواهد . در قران میفرماید " لا اِکْرَاهَ فِي الدِّينِ قُدَّتَبَيُّ الرُّشْدِ مِنَ الْكُفْرِ " . قانون اساسی جمهوری اسلامی معتقدات افرادی را که ضد اسلام نباشد محترم دانسته . حکومت اسلامی حتی با افرادی که بذات پروردگار توانا معتقد نیستند ، آزادی و اجازه بیان عقیده میدهد . پیروان مذاهب سائره که اسلام را قبول ندارند محترم میدانند این چه سری است که فقط بهائیان را مورد هدف حمله قرار دادند ؟ شاید گناه آنان اعتقاد بحقانیت احمد مختار و قران کریم و مطلع این دیانت در ایران بوده است . اما اینکه فرموده اند برای سازمانهای استعماری جاسوسی کار میکنند ، این تهمت را در ردیه ها نیز نوشته و اغلب برای انحراف مردم دنیا باین حربه متوسل شده اند . ولیکن ادعای بدون دلیل چه چیز را ثابت میکند ؟ بدفعات او راق و آرشو تشکیلات بهائی ضبط و یا غارت شده ، کتابخانه هایشان بتصرف درآمده ، سوابق ساواک ، فراماسونری سفارتخانه ها توقیف و بررسی شده ، چگونه است که در تمام این اسناد برگه ای ، سند و مدرکی حتی قرینه ای دال بر صحت چنین ادعا بدست نیامده ؟ معهذا بارها این اتهام بطورشفاهی تکرار شده است . از سال ۵۹ بعد تعداد زیادی از بهترین فرزندان این مملکت باطنا " بخاطر عقیده ، بدون رعایت اصل ۱۶۵ قانون اساسی

اعدام شده و کوچکترین اجازه دفاع بایشان داده نشده است . خوب بود حتی برای یکدفعه دادگاه علنی تشکیل میدادند . اجازه دفاع از طرف متهم و وکیل بآنها میشد ، ناظران بیطرف و خبرنگاران داخلی و خارجی حاضر میشدند ، چریان از رادیو پخش و در مطبوعات منعکس میگردید و مدارک و دلائل مثبته ارائه میشد تا پس از صدور حکم شک و ریبی برای احدی در رعایت عدالت و اعمال حقیقت باقی نماند و خساراتی را هم که فرموده اند باین مملکت وارد آورده اند حق بود برای نمونه یکی از این خسارتهای را بیان میفرمودند که مثلا " کدام پل را خراب کرده ؟ کدام جنگل را آتش زده ؟ کدام بانک را ورشکست نموده و چند چاه نفت را آتش زده اند ؟ حضرت آیت الله ، محبوب ترین اشیاء انصاف است . خود انصاف دهید اینها که اعدام شده اند کدامشان در بیت المال مملکت دستی داشته و خیانت کرده است ؟ سند آن کجا است ؟ دلائل چیست ؟ در چه مقام دولتی و در کدام مقاطعه کاری و در چه بست و بندی دخالت داشته اند که بر ضرر این مملکت تمام گردیده است اتهام اولیه بهائیان منحصر " فعالیت اعتقادی بوده بعد جاسوسی صهیونیسم و حال بهر چیز و هر کلام که در ذهن مردم ایجاد نفرت و خصومت نماید تبدیل شده و چون کسی را چرات سؤال نیست با اطمینان هر تهمتی عنوان میشود . زهی عدالت و انصاف ، و بعد فرموده اند این ایادی و جاسوسان استعمار عموما " و صهیونیسم خصوصا " سالها در مملکت ما با نظام شریعت اسلام جنگیده اند و پس از انقلاب هم بر ضد انقلاب اسلامی می جنگند . خوشبختانه ملت ایران بر این امر واقفند که بهائیان نه تنها مخالف اسلام نبوده اند ، حتی تفوه به مخالفت با اسلام را نیز گناه میدانند و آنچه توانسته اند در تعریف و تمجید اسلام و مقدسات اسلام گفته و نوشته اند جمع زیادی از یهودیان ، مسیحیان ، زرتشتیان ایرانی که از مخالفان و منکران اسلام بوده اند بعد از ایمان بدیانت بهائی اسلام را قبول و طرفدار قرآن و تعالیم آن شده اند و انگهی بهائی با کسی جنگ و ستیز ندارد ، حتی مجادله در قول را حرام میدانند ، نزاع و جدال را شان درندگان ارض میدانند . احزاب و جمعیتها و ادیان و افراد بشر را خیر خواه است و عملا برای ترویج و تشهیر دیانت و خداشناسی در اقصی نقاط دنیا کوشیده و از مقام و حقانیت اسلام در مجامع بزرگ مذهبی و علمی در جهان دفاع نموده . از عجایب زمان ما است که بهائیان در غرب بعلمت طرفداری از اسلام مورد اعتراض قرار دارند و در ایران به تهمت ضد اسلامی آنها را میکشند .

از بدو پیروزی انقلاب و تغییر رژیم در ایران اطاعت خود را از حکومت جمهوری اسلامی قولا " و فعلا " بمقامات عالی مملکتی اعلام و کوچکترین قدمی خلاف این عهد برنداشته ، افراد بهائی بدلیل عدم مداخله در سیاست

درهیچیک از گروههای مخالف و توطئه ها شرکت نداشته اعمال خلاف قانون مرتکب نشده . از مقررات و دستورات دولت با وجود شرایط سخت و مظالم و مضیقه هائی که بر آنها وارد شده کاملاً " تبعیت نموده که آمار بزهکاران شاهی برای مدعا است .

در تابستان ۱۳۵۹ مخالفین بهائی اسناد مجعولی منتشر کردند و بنام جاسوسی در دایره اسقفی اصفهان بیان داشتند و چنانچه همه میدانند جعلی بودن سند و کذب موضوع چندی بعد از طرف دادستان کل انقلاب وقت اعلام گردید . بعد از مطالب فوق حضرت آیت الله تصمیمات از قبل اتخاذ شده را بر حکام شرع واجب دانسته اند قوله : " بر دادگاهها و حکام شرع واجب است که این افراد را به کیفرشان برسانند . "

یعنی دادگاهها بهائیان را که بزعم ایشان جاسوس ضد انقلاب و مخالف نظام جمهوری اسلامینند اعدام کنند . و ای اگر از پس امروز بود فردائی ، یکنفر قاضی عالی مقام با تعصب مفرطه عده ای را بدون تحقیق و اثبات جرم و بدون اینکه سند و مدرکی که حاکی از گناه و تقصیرشان وجود داشته باشد مستحق کیفر میدانند ، و دیگران نیز توصیه میفرمایند که عمل ایشان را تقلید کنند و بعد چنین فرموده اند :
" البته افراد این فرقه ضاله نه تنها در مسائل سیاسی جاسوسی میکرده اند بلکه پس از خانواده منفور و آلوده پهلوی بزرگترین گروهی بودند که اموال این ملت را چپاول کرده و بغارت بردند . "

باز هم صحبت از جاسوسی سیاسی فرموده اند . مگر نه اینست که همه دنیا میدانند بهائیان در سیاست مداخله ندارند ، مگر نه یکی از اصول دینی ایشان عدم دخالت در سیاست و عدم شرکت در احزاب و جمعیتهای سیاسی است ، مگر نه این مطالب در کلیه آثار و کتب آنها نوشته شده مگر نه بارها بمقامات مملکتی این موضوع اعلام شده و هیچ بهائی در سازمانهای که بنحوی از انحاء با سیاست سروکار داشته مانند وزارت امور خارجه مجلس شورا ، وزارت ، ساواک ، شرکت و عضویت نداشته و اگر کسی بخلاف وظیفه دینی در این امور مداخله میکرده از جامعه طرد و برکنار میگردد؟ بچه دلیل نماینده محتوم عدالت آنها را جاسوس سیاسی میدانند؟ مگر نه اینکه جاسوس باید شاغل مقامات عالی باشد ؟ با اسناد سری دسترسی داشته باشد ، از اخبار محرمانه و سری مملکت با اطلاع بوده و آن را به دشمن کشور تسلیم کرده باشد ؟ کدامیک از بهائیان در چنین موقعیتهائی بوده و بغیر از اتهام واهی و گفته مخالفین چه مدرکی و دلیلی بدست

آمده کدامیک از این افراد که بحکم ایت‌الله کشته شده اند اموال ملت را چپاول کرده و بغارت برده ؟ اکثر ایشان خانه‌شان اجاره ای زندگی‌شان ساده در مشاغل پزشکی یا مهندسی یا وکالت و کارمندی زندگی شرافتمندانه ای داشته ، در نهایت امانت بملک و ملت خدمت نموده به سبب صورت خود را سرخ نگه داشته از هرگونه اعتیاد مضره برکنار بوده و بدلیل اینکه کار را عبادت میدانسته در پناه کوشش توانسته اند با قناعت زندگی ساده داشته باشند . کدام از ایشان متمول و ثروتمند بوده اند . بعلاوه مگرداشتن ثروت که از راه مشروع و زحمت بدست آید حرام است ؟

جامعه بهائی بدلیل اعتقادات فکری (نه استضعاف) بیکاری و بیسوادی و تکدی رانگی میدانند و اشتغال بکسب و حرفه و صنعت را واجب میدانند لذا هر کس بفرآخور خویش سعی در تأمین معاشی متعادل دارد ، وانگهی آنهمه ثروتمندان و کارخانه داران و صاحبان بانکها که اموالشان ملی یا مصادره شده بهائی نبوده اند . و اگر هم تعداد انگشت شمار متمول متوسط بهائی وجود داشته ، ثروت آنها از مقاطعه کاری و معامله با دولت و حیف و میل اموال عمومی بدست نیامده و اکنون هم در تصرف بنیاد است . فرض اینکه فرد یا افرادی خیانت کرده باید طبق قانون محاکمه و پس از اثبات جرم بر طبق قوانین جاریه مجازات گردند ، و این موضوع ارتباطی با جامعه و اساس معتقدات مذهبی آنها ندارد .

سپس فرموده اند : " این عده که اعدام شده اند در دادگاه های شرع جمهوری اسلامی جاسوسی آنها بِنفع اسرائیل و ایادیش محرز شده و بحکم قرآن کریم بسزای اعمالشان رسیده اند . "

از بیانات نماینده محترم عدالت چنین مستفاد میشود که مطالعه ردیه‌ها و تکرار تحقیقها و تهمتها افتراآت واهی بصورت یک اصل مسلم در ذهن قاضی محترم متجلی شده که بدون تحقیق و بدون توجه بمدافعات و رویت مدارک مثبتة بمحض اینکه متهم بیگناه بهائی بدادگاه هدایت شده برای آنکه کلمه بهائی را بر زبان نراند و یا بگوش نشنوند ، تصمیم اعدام ایشان را که از قبل اتخاذ گردیده وسیله ماموران دائم الحضور با اجرا در میاورند و چون میدانند دادگاه بالاتری نظارت بر این احکام ندارد و دادسرای انتظامی قضات بررای مجتهد شرع نمیتواند ایراد گیرد و خلاصتا " محکمه عدلی در دنیا نیست که از ایشان سؤال کند ، در کهای قرآن چنین حکمی نازل شده که بموجب آن افراد با تقوی و خداپرستی که تالخطات آخریات بذکروثنای خالق بیهمتا ذاکر و جمیع پیغمبران و کتب آسمانی و عالم بعد را معتقد و به اصول اخلاقی و انسانی پای بندند باید بجوخه

آتش سیرده شوند؟ آیا دنیا و مردم جهان که بر افکار و اعتقادات بهائی
آشنائی دارند در این باره چگونه قضاوت میکنند که یک روحانی عالمی‌مقام،
قاضی شرع بفرماید: " ما بحکم قرآن ایشانرا اعدام نمودیم . "

شاید بعضی از هم میهنان عزیز چون جاسوسی اسرائیل عنوان شده با
توجه بمسافرت بعضی از بهائیان بکشور مزبور و علاقه ای که با ماکن متبرکه
مربوط بخود در آن سرزمین دارند دچار شک و تردید گردند، برای استحضار آن
عده متذکر میشود بهائیان از ۱۱۳ سال پیش یعنی از ۱۸۶۸ میلادی که حضرت
بهاالله، شارع دیانت بهائی بفرمان دو سلطان مستبد ایران و عثمانی
بعکا سرگون و در آن بلده مسجون و پس از صعود بعالم بقا در همانجا مدفون
شدند و اماکن متبرکه ای در دوشهر عکا و حیفا بوجود آمد همیشه زائرین بهائی
بآن دیار که آن روز "بریة الشام" جزئی از امپراطوری عثمانی و بعد از آن
سرزمین فلسطین تحت الحمایه انگلیس و سپس از ۲۴ سال قبل تحت تسلط
اسرائیل درآمد، مسافرت مینموده و برای حفظ و نگاهداری اماکن مزبور
تبرعاتی از سراسر عالم بوسیله پیروان دیانت بهائی فرستاده میشد و لسی
هیچگاه با ماموران سیاسی دولت نه در آن زمان و نه این ایام ارتباطی
نداشته و حتی در آن کشور سکونت نمی‌نمایند .

عینا " مانند زائرین اماکن مقدسه اسلامی در حجاز و عتبات عالیات در عراق
است که هر کس بانجا رفته امروز بگویند جاسوس بعث یا سعودی است و یا اگر
نذوراتی تقدیم گردد بگویند بدولت‌های آن سامان کمک مالی نموده اند
چونکه عیب آمد هنر پوشیده شد اگر بکتب‌بردی بسیار که علیه دیانت بهائی
در ایران نوشته شده مراجعه فرمائید آنگاه که بازار ضروسی در ایران گرم
بود، بهائیان را عامل سیاست روس معرفی و حدود سی سال قبل که احساسات ضد
انگلیسی اوج گرفت آنها را ساخته و پرداخته سیاست انگلیس گفتند و این زمان
که دامنه خصومت با آمریکا و اسرائیل بالا گرفته ایشان را جاسوس و عامل
سیاست امپریالیسم و صهیونیسم گویند، یعنی جامعه مظلوم و خداپرست بهائی
با اینکه خود در سیاست مداخله ندارد همیشه وجه المصالحه سیاسیون بوده و بنا
بموقعیت آنچه که منفور عامه مردم است همان وصله رابه بهائی بیچاره
و بی‌دفاع چسبانده اند . در پایان مصاحبه فرموده اند:

" دسته ای از افراد این فرقه هم هستند که استضعاف فکری دارند و
دادگاه‌هایی به آنها عنایت میکند و آنها را توجیه کرده و به زندگی باز
میگرداند زیرا آنها جاهلی هستند که درک مسئله جاسوسی را نکردند . "
البته در اینجا اشاره حضرت آیت الله بمعدود افرادی است که یا بنام
بهائی بازداشت و یا در اثر فشار زندان و مشقات سخت، تحمل آنرا نداشته
و باتبری از عقیده آزاد شده اند و نمایندگان محترم عدالت بحانشینی
خالق متعال مسیحا و اربابانها زندگی و حیات عاریتی عنایت فرموده اند

و اینست آنچه که ضعف فکری نام برده شده . چون اگر فکر سالم و قدرت روحی موجود بوده مانند دیگران قطع حیات دنیوی را بر ذلتی اینچنین ترجیح میدادند و حاضر نمیشدند عقبی و حیات جاودانی را بدنیای فانی و عزت ابدی را بذلت اعطائی قاضی محترم تبدیل نمایند .

اکنون که متن مصاحبه پایان یافته و باختصار بهر قسمت پاسخی داده شده ناگزیر از ذکر چند جمله حضور آیت الله محمد گیلانی قاضی شرع و نماینده محترم عدالت در زندان اوین هستیم تا اگر ذکر این حقایق برایشان گران باشد لااقل برای دیگران تشحیذ ذهن و توجیهی بگفتار ایشان باشد .

جناب آقای گیلانی آیا بر کرسی قدرت نشستن و دریمین و بسا رصف طویل ما موران دیدن و آنگاه بر اثر غرور بر مظلومان در بند که غیر از خدای تعالی ملجأ و پناهی ندارند تهمت بستن و تهدید بنا بودی نمودن خلاف عدل اسلامی نیست ؟ و آیا تعصب مفرطه ناشی از توهم و نفرت و خصومت و کینه توزی بر مظلومانی که حتی دفاع از خود نمیکند و گناهی مرتکب نشده اند با مقام قضا و عدالت مغایرت ندارد ؟ و آیا در شرع مقدس اسلام مدعی خود میتواند قاضی باشد ؟ روایات منقوله درباره حضرت امیر مومنان چگونه است که با وجود مقام الهی برای قضا بنزد قاضی میرفت مبادا حب نفس مانع از عدالت و قضاوت صحیح گردد .

نماینده محترم عدالت که در این دنیا کسی نمیتواند بر حکم ایشان اعتراض کند و اعتراضات صوری باید بعد از اعدام بمرجع فرستاده شود که از قبل این احکام را تأیید نموده است آیا بفرشان خطور نموده که در عالم دیگر در پیشگاه عدل الهی و روز حساب آنچنان دادگاهی است که قدرت ها را قدرت اعمال نفوذ در آن نیست و در محضر عدالت پروردگار ناله سوزنده یتیمان و اشک بیوه زنا و خون پاک و بیگناه جانبازان راه حق از این مظالم حق طلبی میند . آیا چه فرق است میان این دادگاه با آنها که ده ها بار حکم قتل عام مسیحیان را صادر و با آنکه شهر را شبانگاه در حالت بیخودی آتش زده ، با مدادان تهمت آنرا بر پیروان مظلوم مسیح بستند تا موقعیکه در زیر پنجه ها و دندانهای شیران پاره میشوند لذت ببرند یا چه تفاوت با قضا تی که با اتهام الحاد و رافضی و کفر و زندقه بارها و بارها شیعیان محبان آل علی را کشته و هنوز هم گاه در گوشه و کنار دنیا نمونه اش پیدا میشود ، و یا آنکه ملیونها مردم را بخاطر عقیده یهودی داشتن در کوره سوزاندند . مگر غیر از این است که تعصب همه آنها را باین جنایات و ادار

ساخته ؟ حضرت آقای آیت الله آیا پنج نفر کشاورز بهائی فریدنی آن مردم زحمتکش وموء من و خدا شناس که در تمام دوران حیات در نهایت بساطت وسادگی زندگی نموده و هدفی جز خدمت بوطن عزیز و مردم نداشته جاسوس صهیونیسم بودند؟ و یا استضعاف فکری نداشتند و یاد داشته لکن دادگاه خواهسته بآنها حیات عنایت نماید و لذا بدن آنها را با مسلسل مشبک ساخته اند؟

حضرت قاضی محترم با توجه به نفرت و تعصبی که از قبل نسبت به بهائیی داشته اند لابد است که خود را محتاج به تحقیق از زندانیان بهائی در مقام قضاندانسته و از زندگی وعائله وشغل و اخلاق آنها سؤال نفرموده اند. بر جوانی و بیگناهی آنها و پریشانی اطفال صغیر و معصوم وعائله درمانده ایشان رحمی نفرموده ، سخت ترین شکنجه ها و بدترین عذابها در مدت زندان از سرما و گرسنگی وغیره برایشان وارد شده که اجساد آنها را دور از چشم خانواده در بیابان بزیر خاک نموده اند

آنها بزم شما گناهکار، اطفال صغیرشان و خانواده مظلومشان را چه گناه که اموالشان و خانه وزندگیشان به مصادره رفته وبروز سیاه نشسته اند.

تاریخ دیانت بهائی مشحون از اینگونه مظالم و فجایع است . مدت ۱۳۸ سال یفتوای علما و دسیسه حکام و سلاطین جابرکه میکوشیدند ریشه بهائی را قلع و قمع نمایند، بیش از بیست هزار نفر در این راه قربانی شده با یک تفاوت که در گذشته علما فتاوی قتل بهائیان را با کمال شجاعت بنام عقیده صادر میکردند و مجریان هم او را بنام بهائی وبخاطر ثواب شهید مینمودند و دیگر بعائله و خانواده وزندگیشان کاری نداشتند. لکن امروز بهائیان را عملاً" و باطناً" بخاطر عقیده اعدام میکنند و رسماً" باتهمت های ناروایی که مردم هم قبول ندارند مربوط میسازند. اگر این مظالم برای شما ثوابی حاصل نماید زهی سعادت برای آن عزیزان که قتلشان موجب فلاح قاضی گردد. ولی با تاسف عرض میشود، همانطور که خود در مصاحبه فرمودند ریختن خون مظلومان بیگناه سبب نزول بلا خواهد شد و انتقام خداوند عادل بسی شدید و تاریخ دیانت بهائی شاهد صادقی است که دماء مطهر شهیدان برای هیچکس شگون نداشته و بمصداق آیه کریمه قران " وَلَقَدْ أَخَذْنَاَهُمْ بِالْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" است که متاسفانه بیداری وتنیه حاصل نمیشود.

افراد بهائی که دستهای آنحضرت بخونشان آلوده شده نمونه بارز تقوی و فضیلت انسانی و مصداق کامل "إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَيْكُمْ" بوده اند، هدفی

جز خدمت با بناء بشر از طریق محبت و صداقت و امانت نداشتند . عشق به مخلوق و عشق بوطن آئینشان و تقدیس و تسبیح انبیاء از آدم تا خاتم (ص) دینشان و آیات و آثار الهی ذکرشان بود . سطوت شما و هیبت جلادان و آهنگ ناهنجار مسلسلها و زجر و زندان ، آنها را از عشق به معبود حقیقی باز نداشت رقص کنان و " هَلْ مِنْ نَاطِرٍ يُنظَرُنِي " گویان با استقبال شهادت شتافته و سینه بی کینه را هدف تیرهای بلای شما نمودند و اگر اجازه داده میشد دست قاتلان را میبوسیدند و باین ترتیب جان در راه دوست فدا نمودند روانشان در ملکوت اعلی شاد و نامشان در تاریخ مخلد و جاوید و برای انجال و اخلافتشان افتخار ابدی باقی ماند . هر قطره از خون پاک این باسلان مضمار حق پرستی سبب بروز و ظهور کمالاتی در عالم انسانی خواهد شد که تحقق اهداف مقدسه دیانت بهائی را تسریع میبخشد .

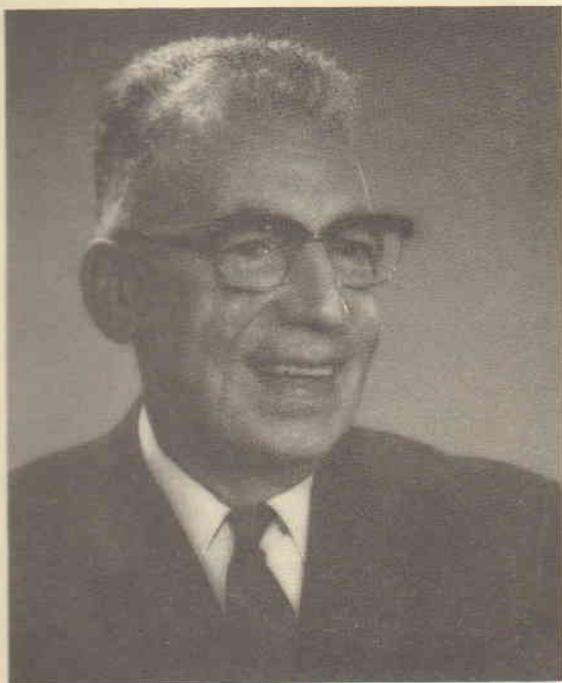
بلی ، اهراق دماء شهیدان ایران است که روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق مرتفع سازد و صلح اعظم را تاسیس فرماید و یوم تَبْدُلِ الْأَرْضِ غَيْرِ الْأَرْضِ را بر عالمیان ثابت و محقق نماید .

حضرت قاضی محترم که مجتهد اعلمند بی شک بر اساس اجتهاد شرعی خود را مقید به رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی میدانند و الا رعایت موا د ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۸ و ۳۵ و ۱۴ و ۲۳ را مینمودند . ایشان خوب میدانند بهائیان مقابله بمثل نمیکند ، انتقام جونیستند ، خون را با خون پاک نمیکند و نفس مخالفت علما و زجر و بلا و زندان و شهادت را در سبیل الهی بهترین وسیله تبلیغ و تشهیر آئین خویش در دنیا میدانند و پیوسته همچو پرکاهی در مقابل اراده حق تسلیم بوده و باین پیشگویی معتقد ، مشیت حی قدیر و حکمت بالغه الهیه چینی اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم اطهر خویش را نثار نمایند تا شجره امید سقایت گردد .

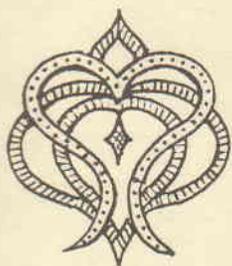
بهر تقدیر ما به خداوند متعال متکی و ملتجی هستیم و شما بقدرت مقام و اسلحه بیان و مسلسل بی امان .

گردن نهادیم الحکم لله

جامعه بهائیان ایران

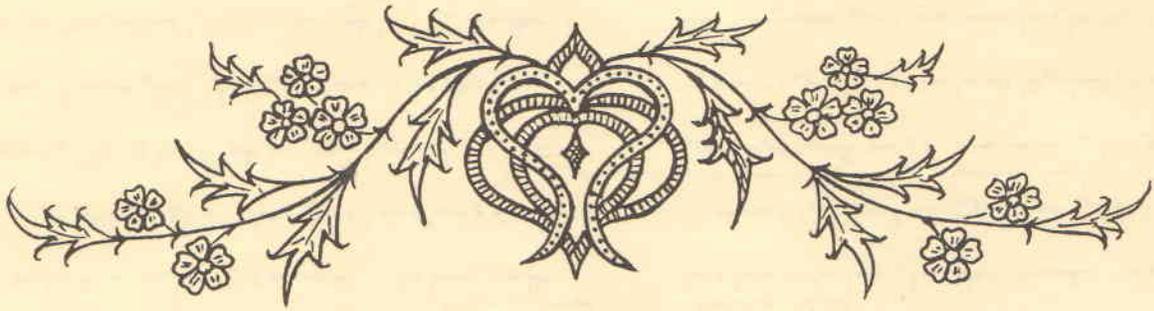


ایادی عزیز امرتہ جناب اکبر فروتن علیہ بہار اللہ
 بقاضای یکی از اجبای الہی مقیم کانادا مقالہ زیر را
 جہت درج در مجلہ عنذ لیب مرقوم و ارسال
 داشتہ اند کہ عنیناً درج میگردد .



هر چند یاران ستمدیده ایران بمفاد آیہ
 مبارکہ " اَتْلُوْا آیَاتِ اللّٰهِ فِی کُلِّ صَاحٍ وَّ
 مَسَآءٍ " شب و روز با آیات الہی و آثار
 امری مانوس و مالوف بودہ و در عین حال
 از حوادث مؤلمہ اخیرہ بخوبی آگاہ و
 پرانتبہا و از نتایج عالیہ تضییقات
 واضطہادات و در بدری و بیسروسا مانسی
 و فداکاری و شہادت پیروان اسم اعظم
 در موطن اصلی جمال قدم کہ در اقطار
 شاسئہ عالم مظهر و بروز نمودہ مطلع و
 مستحضرنہ با وصف اینحال برای مزید
 استحضار و استبصار خوانندگان عزیز این
 مجموعہ نفیسہ شطری از بیانات مبارکہ
 حضرت ولی امر الہی زیب اینا و را قمشود
 تا دوستان ستمدیده و رنج کشیدہ بیش
 از پیش تسلی خاطر یا بند و آرا مش و سکون
 وجدان حاصل نمایند و بییقین مبین بدانند

کہ آنچه واقع شدہ و میشود بنفع شریعت اللہ
 و صلاح امر اللہ بودہ و ہست:
 ۱- از آلام و مصائب عارضہ دلخون مشوید
 عنقریب آفتاب عزت ورفاہیت این مظلومان
 طلوع نماید... مصیبت در سبیل رب حلل موعبت
 است و شہادت اعظم سعادت طوی للفا ترس
 ۲-... اگر چنانچہ تلاطم دریای بلا زردی
 یابد و طوفان محن و رزایا از شر جہت آن جمع
 مظلوم را احاطہ نماید بحق القبریدان



۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

شرح حال شهید مجید جناب هدایت الله دهقانی علیه بھاء اللہ

محل وموردا احترام احبا واغیار بود در
ضوضای سال ۱۳۳۴ کہ احبای آبادہ مورد
ظلم وستم وصدما ت گوناگون قرار گرفتند
آن مرحوم مورد تعدی واقع شدہ وبموجب
حکم صادرہ از کمیسیون امنیت اجتماعی
آبادہ بہ زندان در تبعید محکوم شدند
واین حکم ظالمانہ خاطرہ احکام کذائی
دیوان بلخ رادوبارہ در خاطرہ ہا
یادآوری کردہ والدہ جناب هدایت اللہ
دهقانی ، خانم صغرا دهقانی در قیود
حیات میباشند. شغل جناب دهقانی
تجارت و در ضمن بہ کشاورزی ہم مشغول
بودند. از ایشان شش فرزند باقی مانده
کہ ہمگی در ظل امراللہ میباشند، خانم
محترمشان عصمت خانم دهقانی (صرافیان)
دختر خان آبادہ بودند و تا چند سال پس
از ازدواج ہنوز بدیانت بہائی مشغول
نشده بودند تا آنکہ پس از چندی توسط
جناب فروتن ایادی امراللہ تصدیق امر
مبارک را نموده وتسجیل شدند.
جناب دهقانی ہمیشہ در خدمات امریہ
فعال وکوشا بودند چندین سال متوالی
ریاست محفل روحانی آبادہ را داشتند
ودر لجنہ ارتباط بلوکی فارس واصفہان
عضو بودند و در سالہای اخیر بنمایندگی
از طرف احبای آبادہ در انجمن شور روحانی
ملی شرکت میکردند و یکی از مساعدین و
همکاران شهید رفیع جناب وحدت،
عضو محترم ہیئت معاونت بودند.

ترک خان وترک مال وترک سر
در طریق عشق اول منزل است
از جملہ عشاق جان باخته کہ پس
از ہفت ماہ ونہ روز تحت اذیت وآزار و
زندان بہ محبوب عالمیان حضرت رب اعلی
ارواح العالمین لدمہ الاطہر فداتاسی
چستہ ، شامگاہان روز دوشنبہ پانزدہم
شہر العلا ۱۳۷ بدیع مطابق با ۱۶ مارچ
۱۹۸۱ یعنی پنج روز قبل از فرارسیدن
عید صیام ونوروز در حالیکہ صائم بودند
در شیراز سینہ پاک و قلب تابناکش ہدف
رگبار گلولہ افرادی عاری از رحم وشفقت
وعواطف انسانی قرار گرفت. جناب
هدایت اللہ دهقانی رئیس محفل روحانی
آبادہ بودند کہ مختصری از شرح زندگی
آن جناب بر شتہ تحریر در میاید:

بر سریر سروری فخر و سرافرازی تراست
پاسدار مہدیرین سرافرازان توئی
پدرش متساعد الی اللہ نصر اللہ خان
دهقانی اہل قریہ کوشک آبادہ بود
کہ مدتها عضو محفل روحانی کوشک و دہدار

درب‌خانه اش همیشه بر روی یارو اغیار
دوست و بیگانه باز سفره اش گسترده بود
باتبسم و مزاح هائی که مخصوص خودش بود
مهمانان را با گزمی پذیرائی می‌کرد.
دستگیر ضعفا و حامی ستم‌دیدگان و سینه‌اش
سپر بلای دشمنان امرالله بود. منتخباتی
از الواح و آیات از حفظ داشت و همواره با
چشمائی اشکبار قلبی پاک و سرشار از
ایمان و عشق، آرزوی نیل بمقام رفیع
شهادت می‌کرد و سرانجام به آرزوی خود
نائل آمد و بجرم خداپرستی و به گناه
'اعتقاد و ایمان بدیانت مقدس بهائیی
باعدام محکوم گردید. روحش شاد که
روحی مجسم بود. آخرین ساعات حیات
افتخار آمیز آن شهید سعید را یکی از احبای
محبوس شیراز که از زندان نوشته اند
نظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم:

صبح روز دوشنبه ۲۵ اسفند نام جناب
دهقانی و یکی دیگر از احبای زندانی از
بلندگوی گارد اعلام شد. (منظور جناب
انوری است). مامورین گارد به ایشان
گفتند مگر شما با خانواده تان ملاقات
نداشته اید. ساعت سه و نیم بعد از ظهر
مجدد بلندگوی گارد آن دو نفر را احضار
کرد. جناب دهقانی که تازه از حمام
سروان آمده بودند مامورین گارد
عراحد نمودند. مامورین با ایشان گفتند
ساعت دوازده انقلاب احضار شده اید لذا

جناب دهقانی گفتند چون شما روزه
هستید برای ما دعا کنید یا ما تودیع
کردند و از زندان خارج شدند، برای
اینکه پنج روز قبل از عید بود، ما
امیدوار بودیم که آنها با حکم آزادی
مراجعت خواهند کرد. پاسی از شب گذشت
و آنها مراجعت نکردند صبح روز بعد
محبوسین که با مامورین گارد آشنائی
دارند بما خبر دادند که ساعت ۷ بعد از
ظهر شهید شده اند. روحشان شاد که
ارواح مجسمی بودند رفتار و کردارشان
ظرف این مدت ابلاغ کلمه بود. در روحیه
صدها زندانی اثر شایان توحهی بجا
گذاشت و بالاخره در حال صوم برفیق اعلی
شتافت. طوبی لهم و حس مآب.....
امروز بهت و حزن عجیبی سراسر بند یعنی
در حدود ۴۰۰ نفر زندانی را فرا گرفت
از عصر بتدریج اطاق ما پروخالی میشد
زندانیان با چشمان اشکبار می‌آمدند
و تسلیت می‌گفتند، با حضور چندین نفر
جناب وحدت و بنده مناخات خواندیم و جلسه
تذکری باین ترتیب برگزار شد. از سخنان
بعضی از محبوسین استنباط میشد که هنوز
خون پاک شهدا خشک نشده چه اثرات
عظیمی در جلب نفوس و رفع استیحا ش آنان
داشته هر یک از معاشرت با احبا خاطرات
جالبی تعریف و بشدت گریه می‌کردند و
برای تسلیت به سلول ما می‌آمدند.

خساطرات یکی دیگر از محوسین هم بند :
جناب دهقانی دارای معلومات امری زیاد
وحافظه عجیبی داشت آثار مبارکه زیادی
را از حفظ میخواند اغلب از ۳ بعد از نیمه
شب مدت دو ساعت بدعا و مناجات مشغول بود
وقتی نماز میخواند مانند اینکه عاشقی
واله و شیدا در دل شب بیای معشوق افتاده
بدامان چنگ زده و از او چیزی میخواهد
گریه میکرد و زاری مینمود . اغلب مورد
مراجعه دوستان زندانی بود و برای آنها
لایحه مینوشت . چون تاحدی بکارهای
حقوقی وارد بود . تکیه کلامش بقربان شما
و تصدقت بروم بود . خندیدنش هم حالتی
داشت . کم میخوابید ، اکثر ابا معشوق
را زونیا زها داشت ، پنهانی با او چیزی
میگفت مثل اینکه سرنوشتش به او الهام
شده بود . جناب دهقانی آن سرباز با وفا
و پروانه حان سوخته در عشق بها پس از
اطلاع از حکم اعدام در آخرین دقایق
حیات پرافتخار خود در وصیت نامه اش چنین
مینویسد :

خداوند متعال را شاکر و ساجد که بدون هیچ
گناهی در راه دینم فدا میشوم . خلاصه این
است رضای الهی و مشیت الله در برابرش سر
تسلیم و تعظیم فرود نموده و می نمایم . فقط
خدای را شاکر و ساجدم که هیچ عمل خلافی
انجام نداده ام و بحر می اعدام نگردیدم
که خویشاوندانم خجلت بکشند . بنده

ناقابل که هیچگاه چنین لیاقتی را در خود
احساس نمی کردم شاید رقم بیش از ۲۵ هزار
نفری باشم که جام شهادت را نوشیدم و
امیدوارم که خداوند قادر و متعال
چنانچه گناهای در این دنیا مرتکب شدم
با عفو و غفرانش مرا ببخشد .

جناب سیروس دهقانی فرزند ارشد جناب
هدایت الله دهقانی نامه ای خطاب به
خواهران و برادرانش نوشته است که حاکی
از اینست که ستمکاران عاری از رحمت
و شفقت و دور از عواطف بشری حتی از آخرین
ملاقات یک انسان بی گناه محکوم بمرگ
بازن و فرزندانش امتناع میکنند .

ایشان مینویسد " من اولین کسی بودم
که اجساد مطهر دوشهید سعید را در سرد
خانه پزشکی قانونی زیارت کردم در حالی
که خنده بر لبهایشان نقش بسته بود
و دستها بحالت دعا بود . آنها را بوسیده
و سر تعظیم و تسلیم در برابر اراده آنها
فرو آوردم وقتی پدر را دیدم مثل اینکه
خوابیده بودند باورم نمیشد پیراهن را
بالا زده و قلب مبارکش را که هدف تیر را
قرار گرفته بود زیارت کردم . " سپس
سیروس دهقانی در نامه خود ادامه میدهد
" اولین مسئله ای را که بعنوان برادر
و پدر به شما توصیه میکنم ثبوت و رسوخ
بر امر الله و پیروی از راه بدر عزیز زمان
که اوقات خویش را مصروف امر مبارک نموده



وبالآخره باشهامت وجانبازی سرحلقه ابرار
گردید. عصر روز سه شنبه ۲۶ اسفند احبای
باوفای شیراز حدود دوهزار نفر در گلستان
حاوید مجتمع شده وبانشارتاجهای گلل
به تلاوت دعاومناجات پرداخته ، مراسم
تدفین در نهایت شکوه وحلال وتعظیم وتکریم
بدان گونه که شایسته آن دوشهید بسیار
عزیز بوده انجام گرفته واز تمامی مراسم
فیلمبرداری شده است ."

حضرت عبدالبها میفرمایند :

نفوسی که فی الحقیقه بنده صادق حضرت مقصودند
بممالک بعیده سفر نمایند یعنی بلادیکه صیت
امرالله بآن کما هو حقه نرسیده البتہ بـه
اقالیم تاریک شتابند تا سراج هدایت اللـه
برافروزند

اقبال بملکوت الله آسان ولی ثبات واستقامت
مشکل امتحانات، صعب وگران .

عاقبت منکرین نیز از مقبلین گردند ومستکبرین
نیز به غایت خضوع وخشوع بر خیزند .



شرح حال و حیات و خدمات خانم ژینوس محمودی علیها بھتہ

معصمہ

فخر رجال و طاہرہ دوران شہید رفیع۔
الدرجات خانم ژینوس محمودی در۔
سنہ ۱۳۰۸ شمسی در مدینہ طہران
قدم بعرصہ وجود گذاشت و در دامن
مادری مومن و پرهیزگار و دانابنام
خانم کمالیہ احزاجی کہ در آن۔
اوقات معلّم مدرسه تربیت دختران
بود پرورش یافت۔

پدرشان جناب نعمت از افراد مومن
و باتقوا و بنیانگزار گراور سازی در
ایران بود۔ و در حدود ۱۶ سال قبل
صعود نمود و لکن مادر ایشان هنوز
در قید حیات است۔

خانم ژینوس در سن ۱۹ سالگی با جناب
ہوشنگ محمودی "عضو محفل مقدّس
روحانی ملی بہائیان ایران کہ با
بقیہ اعضاء محفل و دونفر اعضاء ہیأت
معاونت بطور ناگہانی و مخفیانہ
ربودہ شدہ و سرنوشت آنہا غیر معلوم
است، ازدواج و از این ازدواج دو
دختر و یک پسر بوجود آمد کہ الحمد
لہ
ہر سہ دارای کمالات صوری و معنوی

بودہ و در خارج از ایران قائم بخدمت
امرالّٰہ میباشند۔

نامبرده بعد از اتمام دوران۔
متوسطہ در رشته فیزیک دانشگاہ
طہران باخذ درجہ لیسانس و در علوم
ہواشناسی باخذ درجہ فوق لیسانس
موفق گردید۔

قبل از آنکہ سازمان ہواشناسی در۔
ایران تشکیل شود مشارک الیہا
سرپرست تحقیق و تعلیم علوم جوی
ہواشناسی شد و بعد از تشکیل مدرسہ
عالی ہواشناسی ریاست این مدرسہ
را عہدہ دار گردید بعلاوہ تحقیقات
مُعزّی الیہا در ہواشناسی دریائی
ہموارہ مورد توجہ اولیای امور
مملکتی بودہ است و در حقیقت میتوان

ایشان را بنیانگذار هواشناسی
در ایران نامید .
از آثار ایشان در رشته هواشناسی
تهیه و تنظیم اطلس هواشناسی ایرا^ن
است که هنوز مورد استفاده موسسه
هواشناسی است و همانطور که ایشان
گزارا اظهار داشتند سازمان
هواشناسی ایران را از یک اطاق
کوچک که در فرودگاه مهرآباد قرار
داشت با زحمات طاقت فرسایه یک
سازمان مجهز تبدیل ساخته است
ناگفته نماند که خانم زینبوس
محمودی اکثر ابعنوان نماینده ایرا^ن
در کنفرانسهای بین المللی هواشناسی
و مبارزه با آلودگی هوا Air Pollution
شرکت مینموده است و کنه دافسوس که
معدودی از ایرانیان قدر اینهمه خدمت
صادقانه ر ندانسته و یاداش اینهمه
رحمت بی شائبه را با گلوله گرم بجرم
بهاثیت دادندولی او بقدرناشناسی
مردم کاری نداشت عاشق ایران بود
و خدمتبان آب و خاک را که وطن جمال
مارک است فریضه دیانتی خود
میدانست .
باید اذعان نمود که حسن اخلاق

وفداکاری بی ریائی معظم لها
موجب شده بود که تمام کارمندان
اداره هواشناسی بدیده تعظیم و -
تکریم باومینگریستند و احتشام
فوق العاده برای او قائل بودند
بطوریکه دستورات او را با جان و
دل میخریدند و در اجرای دستوراتش
بایکدیگر رقابت میکردند .
از خصوصیات اخلاقی او یکی اینکه
همواره شاد و خندان بود و شایسته
بسیاری از دوستان که او را میشناختند
باین نکته اذعان نمایند که همیشه
لبخندی ملیح بر لب داشت .
عاشق زیبائیهای طبیعت بود و به هنر
عشق میورزید ، هنر باله را دوست
میداشت راستی و درستی و امانت او
در خدمات اداری و امری زیانزد خاص
و عام بود هیچ کاری را غیر ممکن
نمیدانست .
نسبت بترقی نسوان بسیار توجه
داشت خاصه در تعلیم و تربیت خانمها^ی
بهائی سعی بلیغ میذول میداشت
آما آنچه از دیدما اهل بهاشهید
عالیقدر را علاوه بر رتبه شهادت
گرامی و معزز میدارد خدمات او در

اموال الهی است زیرا کارهای طاقت فرسای
اداری و فعالیت‌های شدید دولتی نتوانست
مانع از فعالیت‌های امری او شود خدمت
آستان مبارک را سرلوحه زندگانی،
خویش قرار داده بود و همواره میگفت
اگر امر را نداشتم هیچ بودم برای،
آنکه بمیزان فعالیت امری مشارالیها
قبل از شهادت واقف شویم متن نامه
دخترایشان را ذیلا درج مینمائیم .
" از جوانی عضو بسیار فعال تشکیلات
امرئ بودند .
افتخار عضویت چندین محفل اطراف
طهران را داشتند .
عضویت چندین لجنه ملی، لجنه
اماء الرحمن انتخاب شده بودند.
چندین سال منشی محفل طهران بودند
عضویت هیئت معاونت برای طهران
همدان، غرب کشور و بعد از دستگیری جناب
دکتر فرهنگی وظایف و مسئولیت‌های
مشاورین قاره را در ایران بعهده
گرفتند بدون اینکه رسماً مشاور قاره
نامیده شوند .
بعد از ربوده شدن اعضاء محفل ملی ایران
بعلاوه دو نفر عضو هیئت معاونت به
عضویت محفل ملی ایران درآمدند
و سمت ریاست محفل ملی را عهده دار بودند
بعد از یکسال به مناسبت مسافرتها

زیادی که در اطراف ایران میکردند ریاست
محفل به جناب کامران صمیمی واگذار شد
ایشان تنها بهائی بودند که استثناء هم
عضو هیئت معاونت بودند و هم عضویت
محفل ملی را داشتند .
به تعلیم و تربیت زنان بهائی بسیار
علاقه و توجه داشتند خیلی اوقات خویش
را صرف مسافرت‌های امری مخصوصاً تربیت
و ازدیاد معلومات نسوان بهائی میکردند .
ایشان بسیار مورد عنایت بیت العدل اعظم
بودند سفرهای بسیار زیادی در تمام ایران
اخیراً انجام میدادند هر کجا که احباء
زندانی شده بودند بآنجا میرفتند و عنایات
بیت العدل اعظم را تقدیم زندانیان و
خانواده آنان میکردند . خانواده‌های
زندانیان را تقویت میکردند و دلداری
میدادند این مسافرت‌های ایشان بسیار
بسیار موثر بود ایشان در حقیقت سنگ صبور
احباء شده بودند هر کجا گرفتاری برای
احباء پیش می‌آمد ایشان معتقد بودند که
حتماً باید بملاقات آنها بروند بسیاری از
احباء در شهرستانها میگفتند که حال و صمیمیت
نگاه‌های ایشان غیر عادی بوده یعنی نیروی
مخصوص در کلام و نگاهشان احساس میکردند .
این حالتها را بخصوص بعد از شهادت ایشان
خیلی از احباء توصیف میکنند .

قسمتهائی از دونا مه شهید عالیقدر، خانم ژینوس محمودی که

برای فرزندان خود نگاشته است

تی تی خان من، آرام خانم، ماهها و ماههاست که برایت کاغذ ننوشته ام چه ماههائی که بر ما گذشته است. لیان خندان ددل خونین، خوب نمیخواهم راجع بانا و قات چیزی برایست بنویسم چون نه قادرم و نه برایم امکان دارد، و نه میشود گرد، گرد با دحوادث چنان ما را درهم - پیچیده که گیج و قایع هستم، و خوب وقتی می - بینم این گرد با دمشیت و رضای الهی است چه میتوانیم بگوئیم جز اینکه ما هم راضی برضای او باشیم. خوشحالم که شما موفقیت هایتان زیاد است و راضی که وقتی صدای شما بچه هایم را میشنوم که میخندید، شاد میشوم و قوی. اینجا من باید همه را دل داری بدهم و به همه تسکین بدهم، خوب اینهم افتخاری است که جمال مبارک بمن داده که سنگ صور بشوم، همه تلفن میزنند و یا ملاقات میکنند، همه نیاز به آرامش دارند و آنوقت من باید بخندم و لبخند بزنم و وقایع عظیم را خرد و نا چیز و فشارهای خرد - کهنه در آنم و آرام بخش کنم خدا نکند که قدری در متن عذابم غم احساس کنند آنوقت میبینم مثل اینست که همه چیز بهم ریخت همه فکر میکنند حتماً بد خبری باشد، همه بهم خبر میدهند و کنار د تلفن ها شروع میشود، بنا بر این عزیزانم

بخود حق نمیدهم که جز خنده و آرامش در مقابل با یاران چیزی ارائه بدهم و عزیزم به همین دلیل از فکر شماها و از فکر با با فرار میکنم چون اینها مرا مثل بقیه آدمها آدم میکند و احساس دل تنگی و نگرانی میکنم و اینها در من اثر میگذارد و آنوقت ممکن است همان آن یک تلفن شود و صدای من آرام بخش نباشد، حالا قدر آرزوی شماها در وجودم انباشته شده و چقدر نگرانی بابا..... اما خوب دنیای ما الان اینطور عجیب و بهت آور است. دیروز با یکی از خانمها که از آشنایان قدیمی بود و قبلاً گاهی سالی یکبار همدیگر را میدیدیم تلفنی صحبت میکردم. اول وقایع چنان همه ما را بهم نزدیک کرده که یک خانواده کوچک نیم ملیونی شده ایم و در این خانواده چنان ارتباط روحی و احساسی نزدیک است که در یک گوشه کوچکش وقتی کسی ناراحت میشود همه ارکان این نیم ملیون می لرزد، خوب منم در قلبش نشسته ام بیش از همه حس میکنم بهر صورت این خانم دوست قدیمی که وقتی با هم حرف میزنیم هر دو قربان صدقه هم میرویم مثل بقیه شوهرش، خواهرش و خواهر شوهرش در زندان هستند و خواهرزاده اش که بانطبع پدر

و مادرش در زندانند پهلویش بود و دنبال
دوندگی برای مسائل مربوطه، خوب وقتی
آدم اینها را می بیند از خودش خجالت
میکشد که فقط شوهرش در زندان است
و تازه روحیه هایشان آنقدر عظیم و قوی
است که گیج میشود ۰۰۰۰۰۰۰۰

نامه دوم بانو ژینوس محمودی :

۷ جون ۸۱

بچه های من نانا و مونا و تینی من
آه که چقدر وقت است برایتان کاغذ
ننوشته ام البته شماها مرا خواهید بخشید
زیرا همه وقت را با شماها می گذرانم
و ضمن اینکه از شماها شرمندم ، خوب
افتخار میکنم که وجود نا چیز و وقت
بی ارزش من که آنوقتها قیمتش با پول
تعیین میشد الان صرفا موری میشود که
هرگز ارزش آن برای پول و طلا
و مادیات ندارد

چقدر آرزو داشتم که میتوانستم پهلوی
شما بنشینم و از این اوضاع و حالمان
برایتان تعریف کنم

تعریفهایی که بعضی وقتها حتی با کلمات
نمیشود آنها را بازگو کرد ، و چقدر دل
میخواست که شماها میتوانستید برای
لحظاتی بیاید و اینها را با ما احساس
کنید ، سال قبل تینی من آن مدفقط

یکهفته وعید را با ما بوده البته آنوقت
همه چیز تعطیل بود ولی کمی از حال ما را
درک کرد و رفت ۰۰۰۰۰

خوب بچه های من ، ایام پرارزشی که ما
میگذرانیم برایمان حالتها عجیبی
میاورده این زندگی عجیب ، زندگی که
بهیچ لحظه آن مطمئن نیستی که چگونه
ادامه پیدا کند ، آن لحظاتی که وقتی از
خانه بیرون میروی باید خیلی مراقب باشی
زیرا معلوم نیست برایت چه برنامه ای در
پیش است

آن ساعتها طولانی که با دوستانتان
Assistants, Board Members N.S.A.

ها می نشینی و نمیدانی که بانها خواهد
رسید یا نه ولی بکلی دنیا را فراموش میکنی
آن وقایع عجیبی که در دوروبر ما جریان
دارد

خلق جدیدی که از پیروان اسم اعظم
امروز در این کشور رپر بلا ساخته است
اصلا آنها نیستند که بودند اصلا شایسته
با هیچکدام از انسانها ندارند قیافه های
آرام یا بشاش گردنها افزاشته از افتخار
از جانبازی پدران یا پسران از تحمیل
مشقت برای جمالقدم ، و بنام او در قهقهه
و خنده آنهاست که حکم اخراج خود را در ناف
میکنند ، بعضی وقتها میرقصند در حالیکه

زندگی آنها بستگی به همان حقوق سرمایه
دارده اصلا نمیتوانم حالتها را برایتان
در یک صفحه و دو صفحه و صد صفحه بنویسم
آنها که دور بودند نمی شناختیم و قبولشان
نداشتیم، دور افتاده بودند، با چه ذوق و
شوقی انتصاب بنام جمال مبارکرا جشن
میگیرند، از آن شوهری که نزدیک بود زنش
را طلاق دهد زیرا که ورقه اخراج او را هنوز
صادر نکرده بودند و میگفت که تو حتما
عقیدات را تصریح نکرده ای تا اینکه با
وصول ورقه اخراج آشتی کردند چنان
آماده اند که گزهمه زندگی آنها را هم
بگیرند می خندند و افسانه می آفرینند،
چهره های کوجولو، جوانهای برومند ما
زنان و مردان هر کدام یک افسانه هستند
فقط این روزها است که عظمت تربیت
حضرت بهاء الله را می توانی اینطور
بچشم به بینی و تضاد بین آدمها را
آنها را که اوساخته و پرداخته و تربیت
کرده و آنها را که از نفعات قدس نصیبی
نبرده اند، چقدر اینها فرق دارند با هم
و هر چه سخت تر میشود و مشقات بیشتر احساس
عظمت بیشتر میشود و صبر و حوصله این بندگان
نازنین بیشتر و محبت و عشقشان عمیق تر
جد بستگی و چه اتفاقی امروز بین ما هست
جانتان خالی است خیلی خالی با تمام -

مشکلاتش آرزو میکنم که شما هم می بودید.
و این حالات را احساس میکردید و آنوقت
هدف ظهور حضرت بهاء الله را بیشتر لمس
میکردید و این نسل جدید را که باید تمدن
آینده دنیا را بسازد می شناختید، آخر
هفته ای که گذشت ساعت ۲/۵ با مسجونین
همدان بودم، در همان اطاقشان اصلا آنچه
که احساس نمیکنی وجود سجن است بنظر
می آید که بهترین و باشکوه ترین مهمانیها
را می گذرانم، آه که اینها کی هستند همه
چیز را نمیتوانم بنویسم و هرگز قلم و کاغذ
آن حالتها را که دست میدهند نمیتوانند
تشریح کنند در قیافه آرام و خندان آنها
رضایت و تسلیم در برابر اراده و مشیت
او موج میزند، باور نمیکنی که اینجا
هستند و دریند، اطاقشان مرتب است و تمیز
همه رختخوابهایشان را بسته اند و بدیوار
تکیه داده اند و پتوهارا روی زمین گسترده اند
بتوشیرینی میدهند، چای میدهند، کارهای
دستی را که در نهایت هنر و ظرافت انجام
داده اند و اوقات خود را پایش ریخته اند
بتوشان میدهند، باور نمیکنی اینهمه
هنر و زیبائی و لطافت برای آنها کی که وقتی
در خارج بودند فرصت سرخاراندن نداشتند
و بعد فکر میکنی که آیا چگونه فکری و احساسی
این زیبائیها را بوجود می آورد چیزی که

فکر آرام و احساس لطیف و زیبا، تمام وجودشان عشق است. عشقه محبوب و عشق به آدمها همان آدمهایی که جز قساوت و شقاوت این روزها چیزی ندارند، اصلا گوئی مسخ شده اند و فقط میخواهند بکشند و نابود کنند، فدای همه آنها، فدای فرد فرد آنها، فدای جانبازی و فداکاری که ۲۰۰ سال امرش را به جلو برد، و چقدر خود را در مقابل عظمت وجود اینها ناچیز احساس میکنم، ثمره وجود اینها است که این همه تغییرات در دنیا بوجود آورده منو امثال من که در بیرون میدویم همان کاری را میکنیم که سابقا میکردیم، هنر نکرده ایم — هنر مال اینها است. مال آنها است که هنوز ندیده ایم و نمیدانیم کجا هستند فقط وجودشان را حس میکنیم، شاید این جمله را نفهمید، چون حتما " حتما " این احساس را نداشته اید و تجربه نکرده اید اما من بچه هایم حس میکنم که باهاست باها همین نزدیکیها است و وجودش را احساس میکنم با حس ششم و یا هفتم یا دهم نمیدانم ولی او هست و وجود بقیه را هم حس میکنم حتی گاهی فکر میکنم که می فهم آنها امروز خوشحالند یا ناراحته حس میکنم که امروز باها حوصله اش خیلی سررفته و حس میکنم که با خودش میگویند چرا هیچ خبری نمیشود

و از جایی خبری دریافت نمیکنند، چرا انتظارشان بسرنمی آید و بر نمیگردند سرگازان و بعضی وقتها احساس میکنم نوبت منم میرسد، و چرا که نرسد؟ فقط در صورتی نخواهد رسید که مشیت او این دفعه هم سرنوشت را نوع دیگری تعیین کند. اما خوب زود منصرف میشوم چون این فکر زیاد با کار سخت و متراکم من جور در نمی آید و هر وقت آن موقع رسید خود را با آن تطبیق میدهم امروز کار دیگری دارم، احساسم بچه های من تسلیم کامل و تفویض صرف است فقط یک چیز مطرح است، انجام کارهایی که باید بکنم و در این کارها چه لذتی نهفته است این را هم نمی توانم برایتان درست شرح دهم، شما هم نمیتوانید درک کنید زیرا منم تا امروز طعم آن را چشیده بودم و آرزو میکنم که تا وقتی هستم این لذت را بگیرد، از سلطنت بالاتر است از هر رضایتی بالاتر است، چون با حضرت بهاء الله کار میکنی و وجودش را احساس میکنی و می بینی که اوست که فرمان میدهد، اوست که راهها را انتخاب میکند و مشکلات را حل میکند و هرگز ترا تنها نمیگذارد بچه های من نمیخواهم بیش از این برایتان در این موارد بنویسم فقط بدانید که هیچ چیز کم ندارم، هیچ غمی موجود نیست هیچ مشکلی اصلا وجود ندارد، راضی، خوب،

خوشبخت، مطمئن، آرام پراز انرژی و شاکر
 و هرچه اتفاق افتاد از آن بهتر چیزی
 نخواهد بود، مطمئنم که بابای شما هم
 همین احساس را دارد، خیلی‌ها امروز این
 احساس را دارند آرزو می‌کردم که شما هم
 لذت‌های ما را درک کنید، وقتی اینهمه
 راضی هستم می‌ترسم، می‌ترسم که اجازه
 کار و خدمت و جانبازی گرفته شود و برایم
 کافی باشد ۰۰۰۰۰

بچه‌های من، با قلوب پاکتان دعا کنید
 که آنچه را با فضل داده است با عدلش
 از ما نگیرد، ما داد ما داد فکر کنید که
 آنچه بر ما گذشته و یا خواهد گذشت
 که عظمتش و بندش را حس می‌کنیم و رعیش
 را (شدتی بود یا فشاری، نه، درست
 عکس است، همه فشارها را از روی ما
 برداشته و ما را آنقدر سبک کرده که
 میتوانیم پرواز کنیم، و اکنون آماده
 دعای بیشترش هستیم، فقط باز شما
 دعا کنید که لیاقتش را داشته باشیم
 دوستان دارم، آرزو دیدارتان که
 الان آرزوی دست نیافتنی است هرهنگام
 بیادتان هستم تمام وجودم را می‌لرزاند
 حد میدانم شاید هم روزی اتفاق افتد
 هر شب و هر صبح برایتان دعاهای خاص
 می‌خوانم، و این خودخواهی تنها

خودخواهی من است قربان همه تان می‌روم.

توضیح:

شرح حال و خدمات خانم ژینوس محمودی
 از روی یادداشت‌های گرامی فرزندانش
 ایشان تهیه و تنظیم گردیده است.

حضرت عبدالبهامی فرمایند:
 قوله الاحلی

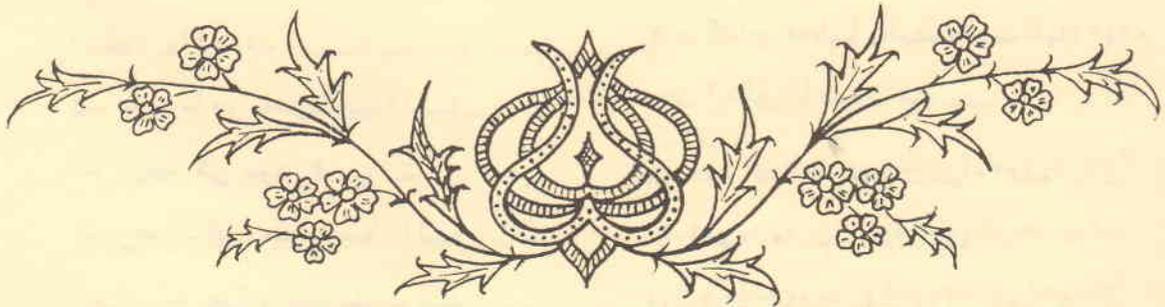
... و اما مسئله ثروت و غنا
 مقصود غنای حقیقی است
 و ثروت ملکوتی و این فیض
 ابدیست که در یوم یغنی الله
 من سعته شامل گردد و کامل
 شود و این مختص احبای انبی
 است و اما ثروت ناسوتی
 جمیع امم در آن مشترک یعنی
 در سائر طوائف نیز غنی
 دنیوی موحود با
 وجود این اگر نفسی
 غنی شاکر و باذل باشد
 البته مقبول و محبوب
 چنانچه در الواح مذکور
 اذا وجدنا آثرنا
 و اذا فقدنا شکرنا

شعرزیرایکی از شاعره های بهائی پس از شهادت خانم ژینوس محمودی
برای معزی لها سروده است

کانون مهر و الفت ما را نشان گرفت
آن طبر خوش لقاره باغ حنا گرفت
کز فرقتش شرر زمین وز میان گرفت
عشقش مکن بسینه پیرو جوان گرفت
باران لطف او همه دشت و دمان گرفت
زین غم چه گویمت که چه ناری چنان گرفت
آتش ز فرقتت بگل بوستان گرفت
بحر عطفتت ز کران تا کسرا گرفت
بنگر چسان وقار و حسن و جمالت جهان گرفت
هجرتوا ز کف همه صروتوان گرفت
شاید توان که راه سوی راستان گرفت

هیبات تا فلک بکف اندر کمان گرفت
ژینوس مهربان دگرا ز بزم ما پرید
عشق بها چنان بدش زد شراره ها
طوما ر عمر پرشمرش لطف بود و مهر
همچون سحاب بر سر هر بوم برگذشت
ای مهربان بگو یکجا حویمت دگر
بر کشتگان عشق بها گل فشان بدی
دریای مهر و لطف و صفا بودی و وفا
کی مام دهر چون تو بزیاید دگر زنی
آرامش و امید بدی بهر دوستان
ما عاشقان ، بر پی راه تو میرویم

بودی چو طاهره که چنان اوشدی شهید
نامت بد دفتر ابدیت مکان گرفت
گلزار از فراق تو نالید بروز و شب
چون مرغ پر شکسته ره آشیان گرفت



- ۸- حضرت ورقه علیا کی بودند و در چه سالی صعود کردند .
- ۹- دو برادر مومن حضرت بهاء الله را که در تحمل شدايد و بلايا همراه جمال مبارک بودند نام ببريد .
- ۱۰- حضرت بهاء الله چند سال در عراق توقف داشتند .
- ۱۱- چه مدت حضرت بهاء الله بتنهائى در بيا بانهای کردستان بسر بردند .
- ۱۲- در چه سالی حضرت بهاء الله اظهار امر علنی فرمودند .
- ۱۳- حضرت بهاء الله از بغداد به کجا سرگون شدند و در محل اخير چه مدت اقامت فرمودند .
- ۱۴- حضرت بهاء الله از استان بول به کدام شهر تبعيد شدند و چه مدت در اين شهر تشریف داشتند .
- ۱۵ حضرت بهاء الله کدام شهر را سجن بعید نامیدند .
- ۱۶- حضرت بهاء الله در کدام شهر الواح ملوک را نازل فرمودند .
- ۱۷- کدام محل از طرف حضرت بهاء الله سجن اعظم نامیده شد .
- ۱۸- سه فرزند حضرت بهاء الله را - از آسيه خانم نام ببريد .
- ۱۹- لوح حکمت صادره از قلم کیست

مجله عندليب بمنظور از دیا معلوماً امری جامعه بهائی میادرت بطرح مسابقه جالب نموده و آن اینست که در هر شماره تعدادی سئوالات امری مطرح تا احباء عزیز با مراجعه و مطالعه جواب صحیح و درست مرقوم و بآدرس عندليب ارسال فرمایند بکسانیکه جواب سئوالات مندرج در ۴ شماره عندليب را درست داده باشند جایزه نفیسی اهدا خواهد نمود .

به سئوالات زیر که از سه فصل اول

Revelation of Baha'u'llah

تالیف جناب ادیب

ظاهرزاده استخراج شده است پاسخ دهید .

- ۱- تاریخ و محل تولد حضرت بهاء الله
- ۲- نام پدر حضرت بهاء الله
- ۳- خانواده حضرت بهاء الله اهل کجا بودند .
- ۴- اظهار امر خفی حضرت بهاء الله در کجا واقع شد .
- ۵- نام مادر حضرت عبدالبها
- ۶- مریم کی بود ؟
- ۷- در چه سالی حضرت بهاء الله از ایران به عراق تشریف بردند .

قیمت جوانان

است و حقیرترین و جاهلترین فرد آن
زمان منزلتش از علمای بزرگ این
عصر در درک حقایق شریفتر و ارجمندتر"
نیز مظاهرش بصورت ظاهر نیز عیان
شود و بفرموده حضرت عبدالبهی
"قطره حکم دریاگیرد و ذره جلو
آفتاب نماید"

اما داستان این موحودات حیرت انگیز
چه بگویم از این قهرمانان کوچولو
باورکردنی نیست، چه شمراستی از
خود بروز میدهند، چه علمی، چه دانشی
چه فهمی و چه درکی، و از همه
مهمتر چه استقامتی، این نونهالان
با طراوات در فشار عظیم روحی که
برایشان وارد میشود روز بروز شکفته
میشوند و در این فشارها آن نسلی که
باید مدنیت حضرت بهاء الله را بروی
خرابه های تمدن حاضر بنا کنند بتدریج
پرورش می یابد

باور نمیتوان کرد که این همه فشارها
روحی را بتوانند افرادی بر اطفالی
نازنین وارد سازند
هزاران اطفال نازنین ما اکنون در
مدارس تحت تاثیر این فشارها هستند
هوششان، استعدادشان همه بی نظر
است، همه به این استعدادها

اما این مسئله مهم و شکفت انگیز
بچه های ما هستند، از تضیقات
و گرفتاریها و فشارها برای بزرگترها
در شهرها و ادارات و همه جا خیلی گفته
شده که چگونه این مظاهر استقامت و عشق
با سرور و سکون و وقار همه چیز را
تحمل میکنند و در نهایت رضا و تسلیم
اند اما در این بین آنچه که بر سر این
کوچولوها می آید و آنچه که این گروه
نازنین، این نوریگان اهل
حقیقت از خود بروز میدهند و نقش
حیرت انگیز آنها را تصور میکنم
خیالی نشنیده باشید. میدانید اینها
چه میکنند، چه هستند و چگونه وجود
نازنین و لطیف آنان عظمت می آفریند
در این انقلابات همه خلق های
جدید حضرت بهاء الله خودشان و -
بزرگواریشان را نشان دادند و همه
آن صفات و ثمرات سدره انسانی که
برای طلسم اعظم فرموده اند مظاهرش
ظاهر شده و میشود و البته میتوان در
این شرایط انتظار داشت که آن -
بیان حضرت رب اعلی که فرمودند
"طفل تازه متولد آن یوم مقامش از
اعقل و اشرف ناس در این دوره بالاتر

معروفند، معروفند که بچه‌های بهائی همه دانشمند و از معلمین بیشتر میدانند و این مزیت آنها را حتی دشمنان امر اذعان میکنند، حتی وقتی از طرف اولیای امور به فعالیت‌های جامعه بهائی ایراد گرفته میشود یکی از این فعالیتها را اقدامات و عکس‌العملهای اطفال ما بیان می‌کنند، چرا؟ مگر اینها چه میکنند؟ دروس دینی، اسلامی را از همه همشاگردیها بهتر میداند از همه مسلمانها (حتی گاهی از معلمانشان) قرآن را بهتر میخوانند و معنی میکنند، و در هر کلاس که اطفال بهائی وجود دارند بلا تردید نمرات اول علوم دینی آنها تعلق دارد. معلمین اکثرا آنها را شگفت زده می‌نگرند، در مسابقات قرآن خوانی و یا علوم دینی در سطح مدارس بچه‌های ما رتبه‌های اول - را بدست می‌آورند از ادراک و هوش آنها از مسائل و آیات قرآنی و تفسیر آن معلمین در حیرت و گاه در نهایت غضب‌اند، معلمین تحصیل کرده بمبارزه با این کوچولوها - برمیخیزند.

وقتی با آنها اعتراض میکنی که آخر شما و این اطفال ۱۰ یا ۱۱ ساله چگونه مبارزینی میتوانید باشید؟ با عصابت میگویند این بچه‌های بهائی از همه ماها بیشتر میدانند! آنها را در کلاس پیشنهاد میکنید، لقب آیت‌الله میدهند، زیرا با کلمات زیبا مفاهیم آیات قرآنی را بهتر از استادانشان بیان می‌کنند.

اما اینها جلوه‌هایی از شروع مسئله است بچه‌های کوچکی با این استعداد و هوش بنظر معلمین مکتبی و وزارت آموزش و پرورش بایدارشاد شوند! بنظر میرسد که پروگرامهای دقیق و سنگینی برایشان تنظیم شده است شواهد و مدارکش را مرتباً می‌بینیم صاحبان افکار سیاسی و مکتبی نشسته‌اند که چگونه بچه‌های بهائی را ارشاد کنند، حیرت میکنید وقتی میبینید که چه کوشش‌های وسیعی - برای اطفال و نوجوانان ما بعمل می‌آید و چگونه بیکباره آنها را احاطه میکنند، دوویا سه نفر از معلمین علوم دینی و مکتبی و گاهی تعداد بیشتری با اضافه تعدادی از همشاگردی^{ان}

(مکتبی) طفلی ۱۰ یا ۱۱ ساله را دوره میکنند و با تمام تجربه و علم خود میکوشند که اصول اعتقادات او را درهم بریزند، ساعتها با او بحث میکنند، روشهای مختلفه بکار می‌برند که او را ارشاد کنند، و این کودکان نازنین که از طفولیت وبدو حیات نسیم محبت الله استنشا ق نموده‌اند و از راتحه هدایت الله با هتزاز آمده‌اند از این همه کوشش و مجاهدت بر علیه خودشان، در این سن و سال متحیرند، به استقامت و مبارزه بر می‌خیزند، به استادان جوابها^{ئی} بزرگ میدهند، آیات قرآنی^ه را از حفظ میکنند، آیات مبارکه را از حفظ می‌خوانند و استشهاد میکنند، استدلال میکنند، گاهی این مباحثات بین معلم ۳۰ ساله و شاگرد ۱۰ یا ۱۱ ساله در سر کلاس انجام میشود، شروع بحث بلا تردید از تحقیر و توهین و وارد آوردن - اتهامات ناروا به اعتقادات این نازنینان است تحمل نمی‌آورند و - مذاکره شروع میشود، جوابهای جالب از طرف کوچولوها بیان میشود

معمولاً همیشه معلم است که در مقابل شاگردش متحیرو بی جواب می‌ماند. آنوقت همشاگردان دست میزنند و هورا میکشند و معلم غضبناک کلاس را ترک میکند و در خارج به مشورت مینشیند و معلم دیگری را به کمک میگیرد این بار دو سه نفری از معلمین طفل بهائی را از درس ورزش و یاحتی ریاضیات محروم میکنند "که بیایا تو حرف داریم" سه نفری بر سراو - می‌ریزند، و استدلال‌ها را پیایی در مغز کوچکش فرو میکنند. چه تساوی قوا؟ حقیقا حیرت‌انگیز است. چه کوششی، چه فشاری و چه استقامتی، ناگفتنی است، برایشان نگرانیم و دعا می‌کنیم که از این میدان که هیچگونه برابری و تساوی بین مهاجمین و مدافع کوچولو وجود ندارد لطمات کمتری دریافت دارند.

صدها و صدها نمونه داریم. چقدر نشستن پای صحبت این‌ها لذت بخش است وقتی برای شما تعریف میکنند که چه گفته‌اند و چه شنیده‌اند، نمونه‌هایی را برایتان می‌نویسم

برای گروه‌های مختلف هرکدام یک
معرفاننده بینید که آیا نقش
اینها کمتر از بزرگترها است؟
در کودکستانها ، بچه‌های کوچکمان
همه با قدرت و شجاعت مناجات و -
اشعار امری میخوانند ، بعضی از
معلمین متعصب‌عصبانی میشوند ، -
بعضی دیگر از استعداد آنان لذت
می‌برند و بعنوان یک واقعه شگفت
طفل صغیر را بدفتر کودکستان -
می‌برند و آن طفل نازنین هم در -
مقابل کلیه معلمین و مدیر مدرسه
اشعار و کلمات مکنونه را بارها
میخواند ، این اطفال صغیر که
بدخول در ملکوت کبیر شده‌اند ،
چه شگفت‌انگیزانند .

سامان کوچک ۵ سال دارد ، مناجات
و نماز کوچک و دعای وضو و تعدادی
دعاهای دیگر را از حفظ و شمرده و
زیبا میخواند تازه امسال برای
آمادگی (کلاس قبل از کلاس اول) -
بمدرسه میرود خیلی جدی است و -
هوشیار ، استعداد و ذکاوت از چشم
نافذش می‌بارد خیلی سریع فرا میگیرد
و خیلی شمرده و زیبا تحویل میدهد ،

شعرهای کلاس را نیز بهمین ترتیب
میخواند ، با زرس مکتبی بمدرسه
آمده بود و معلم کلاس نیز برای اینکه
نشان دهد چگونه شاگردانی تربیت
کرده سامی را بعنوان نمونه عرضه
میکند و از او می‌خواهد که آنچه را -
با و تعلیم داده‌اند بخواند ، یکی
یکی اشعاری را که فرا گرفته با
تسلط میخواند و اعجاب با زرس را -
بر میانگیزد ، در آخر معلم میگوید
سامی جان ، آن شعر " من کودک -
مسلمانم " را هم بخوان ، سامی با
چشمهای با هوش به معلم خیره -
میشود و سخنی نمیگوید ، معلم حرفش
را تکرار میکند ، ولی شاگرد کوچک
خیره و ساکت بر جامی ماند ، معلم
جامی خورد ، اصرار میکند باز هم
با سکوت رویرو میشود ، در مقابل -
با زرس ناراحت میشود ، مطمئن است
که هر شعری که بچه‌ها یاد گرفته‌اند
سامی از همه بهتر فرا گرفته ، می
گوید تو حتما آنرا بلدی چرانی -
خوانی ؟ سامی میگوید برای اینکه
من مسلمان نیستم بهائی هستم
با زرس ناراحت اطاق را ترک میکند

و کار بد فتر میکشد، مادر سا می بدمدرسه
 احضار میشود و با و میگویند به سا می
 بگوئید و سفارش کنید که تبلیغ نکند
 و بعد ما وقع را برایش میگویند. تازه
 مادر میفهمد که چه شده، در خارج
 مدرسه مادر با و پیشنها دمی نما یید که
 از تظاهر خودداری کند چون ممکن -
 است او را اذیت کنند، اما طفل
 کوچولو ما که استقامت را در جا معه
 خودش فرا گرفته قبول نمیکند میگوید
 من بهائی هستم و همه جا میگویم که
 بهائی هستم ضمناً یا دیگر گرفته کسیه
 در مقابل مظالم باید تظلم کند
 میگوید اگر اذیتم کردند میروم -
 کلانتری، نزدیک است شکایت میکنم
 و سا می کوچولو حتی در منزل برای
 پدر و مادرش نیز حاضر نشده که آن
 شعر را بخواند.

الهه ۸ ساله (۱) فردای روز تدفین
 جسد مطهر پدر، گل و شیرینی بدمدرسه
 برده و به معلم و هم شاگردانش
 تعارف میکند، معلم حیران از قیافه
 آرام بچگانه او می پرسد آیا این رسم

(۱) دختر یکی از شهدای رفیع الدراجات
 اخیر

شما است که اگر پدرتان را بکشند
 شیرینی و گل میدهید؟ جواب دخترک
 این بوده است، پدرم را نکشته اند
 او شهید شده است.

اکرم (۲) دخترک ۱۱ ساله نمونه
 دیگری از این موجودات شگفت انگیز
 است، پس از واقعه شهادت پدر
 در مدرسه معلم از شاگردان میخواست
 که درباره خاطرات تابستانی خود
 انشاء بنویسند. اکرم با صداقت
 و ظرافت بچه گانه آنچه را که در -
 تابستان بر سر خانوادها آنها آمده است
 می نویسد از اینکه چگونه به خانه آمدند
 و پدر محبوبش را گرفتند و بردند -
 و حبس کردند از ملاقات های او با پدرش
 در زندان، و بالاخره از شهادت پدرش
 آنچنان موضوع را می پروراند که
 شاگردان و معلم به گریه می افتند
 اما چون چند بار نام بهائی را در انشا
 خود بکار برده معلم معتصب غضبناک -
 میشود، کلاس را ترک میکند و بد فتر
 میرود و انشاء اکرم را هم با خود
 میبرد، چند روز بعد مدیر مدرسه

(۲) اکرم دختر یکی از شهدای رفیع المقام
 اخیر

دخترک را بدفتر میخواند که انشاء
تونمره ۲۰ دارد ولی چون چند بار اسم
بهائی را در آن نوشته‌ای باید آنرا پس
بگیری ، طفل معصوم ، میگوید
آخر موضوع انشاء خاطرات تابستان
بود و همه آنچه که نوشته‌ام عین -
واقعیت بوده است ، و علت کشتن -
پدرم هم بهائی بودن است ، مدیر
مدرسه تهدید میکند و میگوید که با^د
ترا از مدرسه بدلیل این سخنانست
اخراج کنم ولی چون مادرت داغ -
دیده است صرف نظر میکنم ، بالاخره
نمره ۲۰ را برای انشاء میگیرد
ولی انشاء دیگری با سوژه دیگری
تحویل میدهد از او خواستم شرح
واقعه را بنویسد و نوشت و برایم -
فرستاد خواهر بزرگترش هم خاطراتش
را ضمیمه کرد و برایم فرستاد ،
برای نوجوانان و جوانان آن نوشته^{ها}
را میخوانم تا بیشتر هم سن و سالها^ی
خود را بشناسند و از زبان خودشان
وقایعی را که بر آنها گذشته به
شنوند .

اما داستان آرمان داستان دیگری
است افسانه دیگری از فشارها و

تضیقات بر نهالان تازه شگفته مان .
آرمان با خانواده اش در طهران -
زندگی میکند ، شنیدم که در اثر
فشارهایی که در مدرسه با او وارد شده
به سردرد مبتلا شده است و دکتر برای
او فشارهای عصبی تشخیص داده است
دیدنش رفتم با ورنه می‌کنید که آن پسر^ک
لاغر و کوچک اندام که شیطنت هم از -
چشمانش میبارد چنین لحظات سختی
را گذرانیده باشد . از او خواهش کردم
برایم بنویسد ، بگفته مادرش -
نتوانسته است همه چیز را بنویسد
فراموش کرده ولی نوشته‌هایش
را با همان خط خودش برایتان می
فرستم به بینید چه فشاری برای
اطفال معصوم وارد میشود ، چگونه
سه معلم متعصب به مبارزه با پسری
یازده ساله نحیف بر می‌خیزند .
آرمان کوچولو حملات زبانی آنها
را نمیتواند تحمل کند ، در مقابل
دوستانش و رفقاییش به دفاع بر می‌خیز^د
و رد اتهامات آنها را با استدلال -
بچگانه اش به بهترین نحوی انجام
میدهد همشاگردیان بهیجان می‌آیند
و برایش هورا میکشند و دست می‌زنند

معلم مراعات سن و سال و صباوت طفل را نمیکند ، بلکه در وجود او - حریفی بزرگ و سرسخت مشاهده میکند و با آن احساس با اودست و پنجه نرم میکند و تازه بازهم او را غالب می‌بیند ، دو معلم دیگر را بکمک میخواند ، و سه نفری با اصطلاح خودشان بارشاد او می‌پردازند ، همه نوع تحقیر و توهین نسبت به مقدسات او وارد می‌سازند ، ردیه بر امر را - بکلاس می‌برند و سرکلاس برای او و بچه ها میخوانند و از هیچ اهانتهی خودداری نمیکنند ، و از همه فجیع‌تر آنکه او را به اطاق دیگری، تنها می‌برند و ردیه را جلوی میگذارند و او را - و ادار می‌سازند که از روی آن ، از روی جملاتی که بمقدسات او زشت‌ترین اتهامات و حملات را وارد ساخته بارها بنویسد .

آیا اگر هر کسی ترو بزرگتر از آرمان هم تحت این گونه شکنجه‌های روحی قرار می‌گرفت مبتلا به سردرد نمیشد چه مبارزه شیعی ، یک طرفه سه معلم بالغ تحصیل کرده با پشتیبانی دولت و ملت و یکطرف دیگر یک طفل

ضعیف ۱۱ ساله .

اما الهام ۱۴ ساله (۱) روز ۱۰ - اردیبهشت که خبر میرسد جسد پدر - بزرگوارش را که با تیرهای جفا بجرم عشق به جمال معبود بشهادت رسانیده‌اند با اتفاق ابدان مطهر دو نفر دیگر از جانبازان طریق دوست به گلستان جاوید برده‌اند .

همراه مادر برای دیدار آخربگلستان می‌شاید او را مثل بقیه ابتدا به داخل گلستان راه نمیدهند زیرا حکم حاکم شرع این بوده که مراسم تدفین بدون جمعیت و بی‌وسرو صدا انجام گیرد ، ولی او از خارج گلستان پاسداران را ندانمیکند و التماس میکند که خواهش میکنم بگوئید کدامیک از شما ها پدرم را کشته اید که می‌خواهم با او - شیرینی بدهم و دستش را ببوسم .

فردای آنروز بمدرسه میرود و دوستان و همشاگردیان بدور او گریان و ثالان جمع میشوند و میگویند که چگونه از استماع خبر شهادت پدرش گریسته اند

(۱) دختر بزرگ یکی از جانبازان
راه حق

سرکلاس معلم از اومی پرسد تو چرا گریه نمیکنی؟ با سکون و آرامش میگوید آخر پدرم را برای خاطر اعتقادش به شهادت رسانیده اند چرا گریه کنم؟ رویا که اخیراً ۱۵ سالش تمام شده است سال اول دبیرستان است مدرسه او در شمیران شمال طهران و منطقه متمدن تر شهر قرار دارد. چند ماه پس از شروع مدرسه معلم علوم دینی بکلاس میآید و چند بار اعلام میکند خارج از دین در این کلاس چه کسی است؟ بالطبع جوابی نمی شنود تا اینکه سؤال خود را تکمیل میکند و میگوید خارج از دین منظورم بهائی است، کی در این کلاس بهائیی است؟ رویا بلند میشود و میگوید من بهائی هستم بالحن توهین آمیزی اعلام میدارد که این دختر نجس است هیچکدام از شما شاگردان نباید با او تماس داشته باشید آخرین نیمکت کلاس را از شاگردان خالی میکند و آنها را به جاهای دیگری مفرستد و رویا را تنها در آن نیمکت می نشاند و اعلام میکند که تا آخر سال کسی حق ندارد پهلوی این دختر بنشیند چون نجس میشود.

روزهای اول تنهائی بر روی یک نیمکت، در کلاسی که شاگردان بعلت کمی جا بیکدیگر چسبیده و ناراحت هستند چندان سخت نمیگذرد اما روزهای بعد و ماههای بعد تنها از جمع بودن در حالسی که همه از او احتراز میکنند به تهمت نجس بودن، بدون دوست درستی که بیش از همیشه احتیاج بدوست می باشد خیلی سخت است آه که بنام حضرت بهاء الله این نوجوانان ما هر روز چقدر باید تحقیر شوند هر روز مورد توهین قرار گیرند چقدر باید قوی باشند و مومن اما رویا که همین روزها ۱۵ سالش تمام شد بلافاصله ورقه تسجیل خود را امضا کرد که پیوندش را با آنچه برای او این تنهائی و انزوا و تحقیر و فشارها را آورده محکم تر و قطعیت تر نماید.



جوانان عزیز ونونهالان بوستان

محبت الله

هیئت تحریریه عندلیب این نامه پرشور و هیجان را که بقلم شیوای بانوی شهید خانم ژینوس محمودی نگاشته شده در این قسمت عیناً درج نمود تا با مطالعه آن بارزش حقایق مودعه در آن پی بریم و قدر و قیمت جوانی را بدانیم .

اگر قدری بیشتر تفکر کنیم باین حقیقت واقف خواهیم شد حال که در مهدها مرالله نورسیدگان گلزار حضرت بهاء الله بچنین افتخارات متباهی هستند پس وظیفه ما جوانان چیست؟ خاموشی و سکوت و ایام عمر را بدون - ثمر و اثر گذراندن و یا قدم بمیدان خدمت گذاشتن؟ کدام یک سزاوار - بندگی آستان مبارک است؟

هیئت تحریریه تشخیص آنرا بعهدہ خود شما عزیزان میگذارد . ولی بعقیده این هیئت خدمت باید سر لوحه زندگانی هر فرد بهائی قرار - گیرد بالاخص جوانان که دارای نیروی جوانی بوده و قدرت تحرک بیشتر

داشته و مسئولیت زندگانی مادی - کمتر دارند مختصر آنکه خدمت امر الهی در این ایام منسوط به هجرت و نشر نجات ، کسب فضائل امریه و تحصیل حیات بهائی و دعا و مناجات است تمام افکار و اذکار اهل بها باید محصور در این امور باشد تا ارواح شهدا درملاء اعلی شاد و مستبشر گردند و قلوب پاک نونهالان مهدها مرالله که مملو از محبت حضرت بهاء الله است سرور شود .

هیئت تحریریه عندلیب



Protection

O Thou kind and loving Providence!
The east is astir and the west surgeth even as
the eternal billows of the sea. The gentle
breezes of holiness are diffused and, from the
Unseen Kingdom, the rays of the Orb of
Truth shine forth resplendent. The anthems
of divine unity are being chanted and ensigns
of celestial might are waving. The angelic
Voice is raised and even as the roaring of
the Leviathan, soundeth the call to selflessness
and evanescence.

The triumphal cry Ya Baha'u'l-Abha
resoundeth on every side, and the call Ya
Aliyyu-l-Ala ringeth throughout all regions
No stir is there in the world save that of the
Glory of the One Ravisher of Hearts, and
no tumult is there save the surging of love of
Him, the Incomparable, the well-Beloved.
The beloved of the Lord, with their musk-
scented breath, burn like bright candles in
every clime, and the friends of the All-
Merciful, even as unfolding flowers can be
found in all regions. Not for a moment do
they rest; they breathe not but in remem-
berance of thee, and crave not but to serve
Thy Cause.

In the meadows of truth they are as sweet-
singing nightingales, and in the flower garden
of guidance they are even as brightly coloured
blossoms. With mystic flowers they adorn
the walks of the Garden of Reality; as
swaying cypresses they line the riverbanks of
the Divine Will. Above the horizon of being
they shine as radiant stars; in the firmament
of the world they gleam as resplendent orbs.
Manifestations of celestial grace are they,
and daysprings of the light of divine
assistance.

هو الله

—————

ای پروردگار مهربان شرق در هیجان است
و غرب در موج بی پایان نفحات قدس
در انتشار و انوار شمس حقیقت از ملکوت
غیب ظاهر و آشکار ترتیل آیات توحید
است و تموج آیات تجرید بانگ سروش است
و نهنگ محویت و فنا در خروش از هر کرانه
فریاد دیا بهاء الابهی بلند و از هر طرف ندای
یا علی الاعلی مرتفع و لوله‌ئی در جهان
نیست جز غلغله جلوه دلبریکتا و زلزله‌ای
در عالم نه جز اهتراز محبت محبوب —
بیهمتا، احبای الهی در جمیع دیار
با نفس مشکبار چون شمع روشنند و یاران
رحمانی در جمیع اقالیم مانند گل‌های
شگفته از طرف چمن دمی نیا ساینند و نفسی
بر نیارند جز بذکرت و آرزوئی ندارند
جز خدمت امرتو چمنستان حقیقت را
بلبل خوش الحانند و گلستان هدایت را
شکوفه‌های معطر بدیع الالوان خیابان
حقایق را طراحی گل‌های معانی نمایند
و جویبار هدایت را مانند سرو روانیار
افق وجود را نجوم بازغند و مطالع آفاق
را کواکب لامع مظاهر تاثیر دهند و مشارق
نور توفیق، ای خداوند مهربان کل را

Grant, O Thou Loving Lord, that all may stand firm and steadfast, shining with everlasting splendor, so that, at every breath, gentle breezes may blow from the bowers of Thy loving kindness, that from the ocean of Thy grace a mist may rise, that the kindly showers of Thy love may bestow freshness, and the zephyr waft its perfume from the rose garden of divine unity.

Vouchsafe, O Best Beloved of the World, a ray from Thy Splendour.

O Well-Beloved of mankind, shed upon us the light of Thy Countenance.

O Thou loving Lord, the movers of sedition are in some regions astir and active, and by night and day are inflicting a grievous wrong. Even as wolves, tyrants are lying in wait, and the wronged, innocent flock hath neither help nor succour. Hounds are on the rail of the gazelles of the fields of divine unity, and the pheasant in the mountain of heavenly guidance is pursued by the ravens of envy.

O Thou divine Providence, preserve and protect us! O Thou Who are our Shield, save us and defend us! Keep us beneath Thy Shelter and by Thy Help save us from ills. Thou art, indeed, the True Protector, the Unseen Guardian, the Celestial Preserver, and the Heavenly Loving Lord.

Abdu'l-Baha

ثابت ومستقیم بدار والی الابد
 ساطح ولامع وپرانوارکن تاهر دم
 ازگلشن عنایت نسیمی وزد وازیسم
 موهبت شبنمی رسد رشحات سحاب محبت
 طراوت بخشد ونفحات گلشن وحدثت
 مشامها معطرکند، ای دلبر آفاق
 پرتو اشراقی، ای محبوب جهان
 جلوه جمالی، ای قوی قدیر حفظ وامانی
 ای ملیک وجود ظهور قدرت و سلطانی
 ای خدای مهربان در بعضی بلدان اهل
 طغیان درهوج و موجند و محرکین بی انصاف
 شب روز دراعتساف، ظالمان چون
 گرگ درکمین و اغنامی مظلوم و بی ناصر
 و معین، غزالان بر وحدت را کلاب
 درپی و تذروان کوهسار هدایت را
 غرابان حسد در عقب
 ای پروردگار حفظ و حمایت فرما، ای
 حافظ حقیقی صیانت و حمایت کن
 دریناه خویش محروس دار و بعون خود
 از شرور مصون بدار، توئی حافظ
 حقیقی و حارس غیبی و نگهبان ملکوتی
 و مهربان آسمانی

عع

هوج = شت بزرگی هوج
 تذروان = قوت اول
 کلاب = کلبه - زاع
 غرابان = پروردگار

بعضی لغات و اصطلاحات امری بزبان انگلیسی و فارسی

اسامی ماه های امری

<i>Splendour</i>	شهرالنبهات
<i>Glory</i>	شهرالجلال
<i>Beauty</i>	شهرالجمال
<i>Grandeur</i>	شهرالعظمه
<i>Light</i>	شهرالنور
<i>Mercy</i>	شهرالرحمه
<i>Words</i>	شهرالكلمات
<i>Perfection</i>	شهرالكمال
<i>Names</i>	شهرالاسماء
<i>Might</i>	شهرالعزه
<i>Will</i>	شهرالمشيه
<i>Knowledge</i>	شهرالعلم
<i>Power</i>	شهرالقدره
<i>Speech</i>	شهرالتقول
<i>Questions</i>	شهرالمسائل
<i>Honour</i>	شهرالشرف
<i>Sovereignty</i>	شهرالسلطان
<i>Dominion</i>	شهرالملک
<i>Loftiness</i>	شهرالعلاء

"هل من مفرج غير الله قل سبحان الله هو الله
كل عبادله وكل بأمره قائموت". حضرت باب

Is there any remover of difficulties save God?

Say: Praised be God! He is God! All are His

servants, and all abide by His bidding!

The Bab

Obedience "O" اطاعت

"P"

Passing صعود - درگذشت

Pen قلم - کلک خامه

Primal Point نقطه اولی

Prison سجن - زندان

Proclamation اظهار امر
اعلان امر - ابلاغ امر

Prophet پیامبر - پیغمبر - رسول

Prophethood پیامبری - رسالت

Promised One موعود

Promulgate انتشار - گسترش

"R"

Reveal نازل کردن
ظاهرساختن

Revelation ظهور - نزول

Glory ایام هفته
یومالجلال

Beauty یومالجمال

Perfection یومالكمال

Grace یومالفضل

Justice یومالعدل

Majesty یومالاستجلال

Independence یومالاستقلال

کنفرانس بین المللی بهائی مونتریا ۱۹۸۲

حضرت ولی عزیز امرالله بعنہو
مکان متبرک بہائی تشخیص و تخصیص
داده شد .

محل تشکیل کنفرانس

کنفرانس در ساختمانی بنام ولسودرم
Velodrome تشکیل میشود .
کہ در پارک المپیک مونتریا واقع است
این مکان براحتی ده ہزارتن شرکت
کنندگان کنفرانس را در خود جای میدہد
ساختمان در محوطہ استادיום سرپوشیدہ است
کہ از تمام وسائل لازم برخوردار است
وبہ وسائل نقلیہ عمومی از جملہ ایستگاہ
مترو دسترسی نزدیک دارد .

ترجمہ همزمان

گرچہ زبان رسمی کنفرانس انگلیسی و فرانسه
است ، ترتیباتی داده شدہ کہ مطالب کنفرانس
بہ چہا زبان انگلیسی ، فرانسه ، اسپانیولی
و فارسی برگردانہ شود . از جانب برگزار
کنندگان کنفرانس توصیه شدہ است بجز
یارانہ کہ بہ ہر دو زبان انگلیسی و فرانسه
تسلط دارند ، دستگاہ استفادہ از گوشہ
ترجمہ همزمان " را کہ اجارہ آن برای سہ
روزہ کنفرانس ۱۰ دلار خواہد بود در محل
کنفرانس تہیہ نمایند تا بتوانند مطالب
مورد گفتگو را براحتی درک نمایند .

بیت العدل اعظم الہی دستور تشکیل
پنج کنفرانس بین المللی را در سال ۱۹۸۲
صادر فرمودہ اند . ہر یک از این کنفرانسہا
بنام و بیاد حضرت ورقہ مبارکہ علیہا
بہائیکہ خانم ، بمناسبت پنجاہمین سال
صعود مبارکشان گشایش خواہد یافت .
سرمشق فداکار رہبا و خدمات پرارزش این
بانوی اہل بہاء الہام بخش کنفرانسہا
خواہد بود کہ موضوع اصلی آنہا اجرای
موفقیّت آمیز نقشہ ہفت سالہ تبلیغی است
در کنفرانس مونتریا کہ در ایام سوم
تا پنجم سپتامبر برگزار میشود ، حضرت
ایادی امرالله امّۃ البہاء روحیہ خانم
بنمایندگی از جانب بیت العدل اعظم الہی
شرکت خواہند فرمود . تشکیل این کنفرانس
در ماہ سپتامبر در مونتریا مصادف با
ہفتادمین سالگرد تشریف فرمائی حضرت
مولی الوری بہ آن مدینہ در سنہ ۱۹۱۲
نیز میباشد کہ آن وجود مبارک چند روز از ایام
توقف حضرتشان را در منزل والدین ارجمند
حضرت امّۃ البہاء جناب ویلیام
William و سرکار خانم می
ماکسول *May Maxwell* میہمان
بودند کہ متعاقباً "آن بیت از طرف

برنامه

و محل های اقامت به یک موسسه غیربهایی
 بنام
 واگذار شده است از طریق فرمهای مخصوص با
 آن موسسه در فرصت مناسب تماس حاصل
 فرمائید .

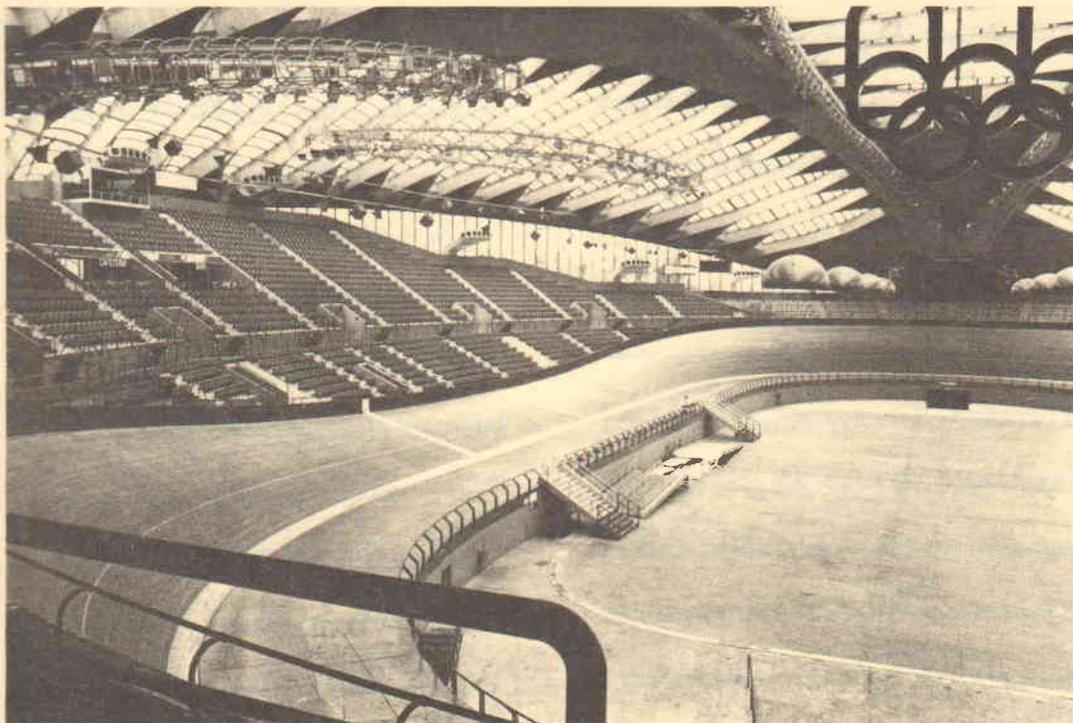
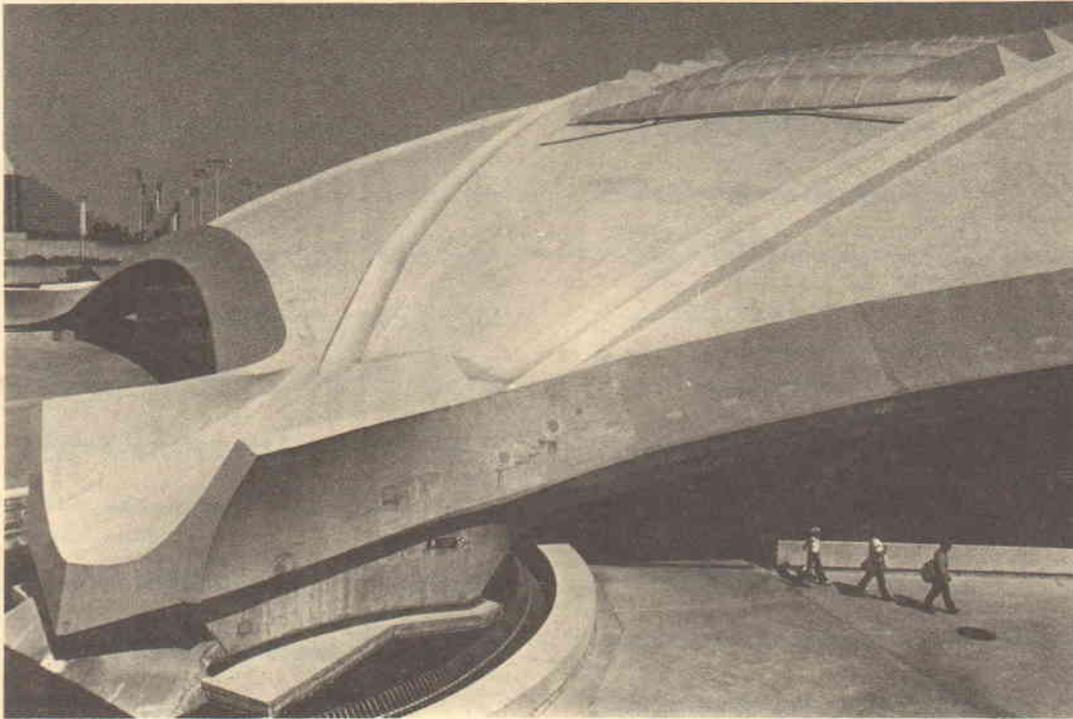
تعدادی از سخنرانان بین المللی بهائی
 که در اس آنان حضرت ایادی امرالله
 امه البهاء روحیه خانم قرار دارند ،
 در جلسات کنفرانس سخنرانی خواهند
 نمود . یکی از شبهای کنفرانس سه کنسرت
 هنرمندان حرفه ای بهائی اختصاص
 داده شده است .

اوراق معرفی نامه مخصوص برای کنفرانس
 حدود ۱۰ هزار تن بهائی از سراسر جهان
 در این کنفرانس شرکت میکنند ، ناگزیر
 باید اوراق معتبر معرفی نامه همراه داشته
 باشند . توصیه میشود قبل از عزیمت به
 مونتریا ، و شرکت در جلسات کنفرانس
 در محل سکونت خود در موقع مقتضی اعتبار نام
 مخصوص را که غیر از معرفی نامه های
 عادی بهائی است (از دفتر محفل روحانی
 ملی بواسطه محافل و مراکز بهائی محلی
 خود دریافت نموده همراه داشته باشید
 که در غیر آن صورت با اشکال ورود به جلسه
 مواجه خواهید شد .

هتل ها و محل های اقامت

برای رزرو جا لطفاً " از فرمهای مخصوصی
 که موجود است استفاده فرمائید و در نظر
 داشته باشید که انجام امور رزرو جا در هتل

موضوع کنفرانس	محل کنفرانس	ایام و ساعات	هزینه
۱- ثبت نام در کنفرانس ۲- جلسات کنفرانس ۳- ثبت نام برای کنفرانس اطفال	محل ستا دیوم المپیک محل ستا دیوم المپیک محل ستا دیوم المپیک	اول تا پنجم سپتامبر صبح تا اشدی ظہیر تا پنجم سپتامبر اول تا پنجم سپتامبر	مجانمی مجانمی "ولین طفل خانواده ۳۰ دلار و طفل ۵۰ دلار سه طفل و بیشتر ۶۰ دلار
۴- جلسات کنفرانس اطفال	محل ستا دیوم المپیک	سوم تا پنجم سپتامبر	
۵- فروش کتب و آثار بهائی	محل ستا دیوم المپیک	۸/۳۰ صبح الی ۵/۳۰ عصر اول تا پنجم سپتامبر	



بشارت و اخبار امری

ترجمه از اخبار امری جهانی مورخ
اول نوامبر ۱۹۸۱

تقریباً تمام یک شماره مخصوص اخبار
امرئ استرالیا در ماه آگوست به
مذاکرات تاریخی جلسه مورخ ۱۹
آگوست ۱۹۸۱ مجلس نمایندگان -
حکومت مرکزی استرالیا اختصاص
داده شده . جلسه ای که بمدت یکساعت
برای اتخاذ تصمیم با براز همدردی
نسبت به تضیقات وارده بر احمای
ایران اختصاص داده شده بود .
پس از نطقهای از جانب حکومت
ومخالفین مذاکرات با توافق آراء به
اخذ تصمیم خاتمه یافت . متن
مذاکرات ثبت و در نشریه رسمی
درج گردید .

در دومینیکا *Dominica* در
ویندوارد آیلند *Windward Island*
آقای پول فون الیزی *Paul Von Elizee*
با خانم کریستالین فرانسیس
Christalene Francis
در تاریخ سوم جون ۱۹۸۱ ازدواج -
کردند و این ازدواج اولین ازدواج

بهائی بین دونفر از اهالی کاریبیان
Caribbean میباشد . در ضمن
خانم فرانسیس اولین زنی است که -
در دومینیکا مومن با مرمبارک گردیده
است .

بدعوت محفل مقدس روحانی ملی
تایوان *Taiwan* یک
کنفرانس مطبوعاتی در باره تضیقات
وارده بر احمای ایران با شرکت ۲۸
نفر مخبرین روزنامه تشکیل شد .
نتیجه اولیه این کنفرانس مقاله
در پنج صفحه در نشریه *R.O.C. Report*
بود که بر اساس شرح کاملی که
قبلاً توسط محفل ملی بزبان چینی
تهیه شده بود تنظیم و درج گردیده
است .

نیجریه متعهد شده است که تمام
اهداف اضافی خود را قبل از کنفرانس
بین المللی که در ماه آگوست ۱۹۸۲
در لاگوس (پایتخت نیجریه) تشکیل
خواهد شد با تمام رساند . هفت
نفر اعضای محفل ملی ، شش نفر

عضو هیئت معاونت و نمایندگان تمام
لجنات تبلیغی باتفاق سه نفر از -
اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای در -
آفریقا در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۱
در انوگو مجتمع و مشترکاً درباره
نقشه بمذاکره پرداختند .

در کانزاس سیتی ایالت میسوری
Kansas City - Missouri

یکصد نفر از ناشرین فداکار برای
اجرای یک طرح تبلیغی مشابه طرح
موفقیت آمیز اوکلاهما *Oklahoma*
که در سال گذشته در ماه جولای
بمورد اجرا گذاشته شد قیام
نموده‌اند . نتیجه‌ای که بلافاصله
از این قیام بدست آمده و در تاریخ
۲۰ اکتبر بمركز جهانی امرالله
مخابره شده حاکی از ایمان ۱۳ نفر
و تسجیل آنها در ظل علم امر حضرت
بهاء الله جل ذکرة الاعلی می باشد

در کراچی پاکستان - لجنه محلی
امور زنان کراچی بنام شاعره
قهرمان امرالله حضرت طاهره
(قره العین) یک جلسه عمومی
تشکیل داده . اشعار حضرت طاهره

در جامعه ادبیات پاکستان مـورد
احترام و استفاده است .
میهمان اصلی این جلسه خانمی بود
که سردبیر نشریه شعری است و یکی
از ستاینندگان پر حرارت حضرت طاهره
می باشد . یکی از ناطقین بهائـی
درباره تاریخ حیات حضرت طاهره
و اشعار ایشان صحبت کرد و بعضی از -
اشعار ایشان با آهنگ خوانده شد .

شهر ماباتو *Mmabto* پایتخت
کشور *Bophutatswana* در تاریخ
۲۰ اکتبر ۱۹۸۱ برای اولین بار
محفل روحانی خویش را تشکیل داده
و باین ترتیب تعداد محافل روحانی
برای محفل روحانی ملی جوان این
کشور از حد نصاب نقشه تجاوز کرد .
تعداد محافل محلی حالا بالغ به
۳۶ گردیده که یک محفل بیش از -
تعداد مورد نظر در نقشه می باشد .

یک مدرسه ملی ابتدائی در شهر
Bray در ناحیه ویکلا
County Wicklow در جمهوری
ایرلند تصمیم گرفته است که روز ۱۲
نوامبر تولد هیکل مبارک حضرت

بهاء الله جل ذكره الاعلی را جزء سه روزی که تمام مدرسه در سال جاری تعطیل خواهد بود منظور نماید .

رادیو بهائی در اوتاوالو *Otavalo*
در کشور اکوادور *Ecuador*

حالا روزی ۱۹ ساعت از ساعت ۴ صبح الی ۱۱ بعد از ظهر برنامه خود را اجرا میکند .

در لیسبون پایتخت کشور پرتغال مدرسه ملی تابستانه در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱ تعداد یکصد نفر از یاران الهی را در محضر حضرت ایادی امرالله دکتر چیاگری که - الهام بخش، آموزنده و تشجیع کننده برای انجام خدمات بزرگتر در سبیل انجام اهداف باقیمانده نقشه جلیله هفت ساله و حیات بهائی بود جمع نمود

در یک کنفرانس تحت عنوان (طرح از طریق قانون) که از جانب سازمان ملل متحد در سائوپولو کشور برزیل در تاریخ ۲۱-۱۶ آگوست ۱۹۸۱ با حضور حقوقدانان بسیاری

از کشورهای تشکیل شده بود جناب دوریان سیبرا *Mr. Dorian Seabra* عضو محفل مقدس روحانی برزیل - نمایندگی رسمی جامعه جهانی بهائی را عهده دار بودند .

در راولپندی در کشور پاکستان - تعداد ۶۴ نفر از بهائیان از یانزده مرکز مختلف در بیست و چهارمین مدرسه ملی تابستانه پاکستان به مدت سه روز از تاریخ ۱۸ الی ۲۰ - سپتامبر ۱۹۸۱ شرکت کردند .

پس از سالها جستجو کشور کانادا الهه موفق شد که مرکزی برای اعلان امر در کبک پایتخت کانادای فرانسه زبان بدست آورد . ساختمان مزبور در چهار طبقه که در قسمت قدیمی شهر در خیابان دوتوی *D'Auteuil*

یعنی همان خیابانی که محل قامت نخست وزیر کبک و مرکز فرهنگی کبک میباشد قرار گرفته و دارای - موقعیت مناسب برای دعوت مقامات رسمی میباشد . این ساختمان دارای اطاقهای روشن و چهار گوشه است که

برای نمایشگاه‌ها کاملاً مناسب می‌باشد
بعضی طبقات آن مورد استفاده محفل
ملی و دبیرخانه لجنه ملی تبلیغ
برای نشر نفعات الله در بین فرانسه
زبانها قرار خواهد گرفت .

گزارش مقدماتی در مورد نقشه
کانادا در قسمت قطبی در منطقه
وسیع سرزمین شمال غربی

Northwest Territories

نتایج قابل ملاحظه‌ای را نشان می
دهد . در بیکرلیک *Bake Lake*
نه نفر تسجیل شده و در رانکیسن
اینلت *Rankin Inlet* یازده
نفر مومن گردیده و در فروبیشربی
Frobisher Bay مقامات

محلّی علاقمندی خود را ابراز و در مکنزی
دلتا *Mackenzie Delta*

مجدداً با تعداد زیادی از مردم محلّی
و عده‌ای که در طی نقشه پنج ساله
اقبال نموده‌اند تماس برقرار
گردیده است . اخبار مسرت بخش
بیشترک از گروهیکه از مشکل‌ترین
منطقه تبلیغی کانادا (قطب) -
مراجعت میکنند مورد انتظار است .

ایادیان عزیزاً مرالله جناب ذکرالله
خادم و جناب جان ربارتز علیهما
بهاء الله برای عده‌ای از احبای کبک
که بایک اتوبوس برای زیارت
ام‌المعابد غرب آمده بودند صحبت
کردند . مشرق‌الاذکار غرب در ویلمت

ایلی‌نویز *Wilmette Illinois*

نقشه‌اش توسط یک مهندس آرشیتکت
از اهالی کانادای فرانسه زبان بنام
لوئی بورژوا *Louis Bourgeois*

طرح گردیده است . مسافرت این
عده اولین سفر از این نوع توسط
کانادائی‌های فرانسه زبان می‌باشد
که با تلاوت آثار مبارکه در سالن -
مشرق‌الاذکار و نمایش فیلمی از حضرت
عبدالبه‌اجل ثنائی و نمایش اسلاید
درباره تاریخچه ساختمان مشرق
الاذکار خاتمه یافت .

برای سومین بار موسسه مطبوعاتی
بهائی در آلمان در نمایشگاه بین-
المللی کتاب در مسکو از تاریخ ۱۲
الی ۸ سپتامبر شرکت نمود .
جناب ضیاء الله کاظم زاده و خانم
کریستین پوشمان نمایندگان موسسه

مطبوعاتی بهائیان آلمان را عهده دار بودند .
خلاصه‌ای از گزارش آنها درباره نتیجه حاصله از این موفقیت نادر یعنی ارائه کتاب بهائی در اتحاد جماهیر شوروی بشرح ذیل است :
صبح روز اول ما خوشحال شدیم از اینکه دانستیم کلیه کتابها داخل نمایشگاه رسیده است و بنا براین مشغول آماده کردن جایگاه شدیم که محل آن در راهروئی بود که به جایگاه سایر موسسات مطبوعاتی آلمان ختم میشد . در مقابل جایگاه ما یک میز و چند صندلی و تعدادی جزوات و نشریات روی میز قرار داشت . نمایشگاه بمدت ۴ روز از ساعت ۱۰ صبح الی ۷ بعد از ظهر باز بود . درحالی که نمایندگان موسسات مطبوعاتی دیگر اغلب اوقات غایب بودند و جایگاه های آنان یک نفر مترجم برای زبان روسی داشتند بسیار مهم بود که جایگاه موسسه مطبوعاتی بهائی دو نماینده داشت که اکثر اوقات در جایگاه حاضر و هر دو بزبان روسی تکلم می نمودند .

اشتیاق شدید برای نشریات بطور کلی و جستجوی برای مائده روحانیی شگفت آور بود .
جایگاه بهائی هیچگاه خالی از - مراجعه کننده نبود . جناب کاظم - زاده که بزبان روسی کاملاً مسلط - هستند با بازدید کنندگان اهل تحقیق مذاکرات مفصل داشتند . خانم پوتمان مینویسند من شخصاً هیچگاه چنین توجه عمیقی را در هیچ جایگاهی در نمایشگاه از نفوسیکه برای اولین بار مطالبی در مورد امرالله بگوشان میرسید ندیده بودم .
مکالمات ما خیلی بی پرده بود و می گفتیم که ما فقط نوشته جات دینی مربوط با مربهای را که دیانت جدیدی است داریم و سپس تعالییم مبارک را شرح میداریم البته بین آنان نفوسی بودند که بلافاصله آنها را بدون اعتناء دور میانداختند یا اینکه سعی میکردند که شروع به مباحثه نمایند و یا از منکرین خدا بودند که حالت ترحم درباره ما بخود میگرفتند . اما نفوسی هم بودند و تعدادشان هم کم نبود که

مادقانه علاقمندی خویش را ابرازی کردند و عمیقا کتابها را مطالعه کرده و بعضی تقاضای دریافت کتاب میکردند ولی ما قول کتابها را بدو کتابخانه داده بودیم .

در پایان نمایشگاه کتابخانه دولتی و اداره علوم اجتماعی آکادمی علوم تقریبا تمام کتابهای نمایشگاه را بمعرض نمایش گذاشتند . تعجب آور بود که مردم شوروی تاچه حد مشتاق غذای روحانی هستند . کتب مختلفه کاملا نظر آنان را جلب کرده بود از جمله بیش از مردم آلمان .

آنها کتابهایی را در زمینه مباحثات ها و ادعیه از قبیل : هنر حیات روحانی ، کلمات مکنونه ، هفت وادی را از قفسه ها برمیداشتند .

اغلب نفوسی بودند که در جایگاه هانسته و مشغول مطالعه کتب امری بودند و توجه خاصی هم به کتب مربوط باطفال و اشعار ایادی امرا لاله جناب دکتر موشگل ابراز میداشتند بعضی از بازدیدکنندگان نام بهائی را از نمایشگاه قبلی که

دو سال پیش تشکیل شده بود به یاد داشتند .

یک مورخ و روزنامه نگار که در آن هنگام علاقمندی خاصی از خود نشان داد و تقاضای کتاب (بهائی در جهان نو) را نمود با اجازه محفل مقدس روحانی ملی آلمان کتاب مزبور را دریافت کرد و اظهار داشت که قصدش اینست که در صورتیکه شرایط اجازه دهد مقاله‌ای درباره امرالله بنویسد .

در پایان نمایشگاه یک نماینده از سازمان مسئول وارد کردن کتب خارجی درخواست کتب ما را نمود که جواب دادیم در اختیار کتابخانه های مربوطه میباشد .

آنها از موسسه مطبوعاتی بهائی خواستند که برای دفعه آینده قبلا فهرست کتب را همراه با شرح لازم در باره هر یک ارسال دارند .

مقامات رسمی و هیئت تشکیل دهنده نمایشگاه و نمایندگان کتابخانه ها و روزنامه نگاران که ما ملاقات کردیم همگی بسیار دوستانه و مودبانه با

ما برخوردار کردند .

این مسافرت برای ما یک تجربه بسیار جالب و برای موسسه مطبوعاتی بهائی آلمان یک موفقیت شایان بود

پاکستان - محفل روحانی کویتسه در مراسم روز استقلال پاکستان جلسه ای بمنظور دعا برای نیک بختی کشور پاکستان در حظیرة القدس آن شهر ترتیب داد .

نماندگان تلویزیون با دوربینهای مربوطه و خبرنگاران روزنامه ها و تعداد هفتاد نفر از بهائیان از نقاط مختلف بلوچستان در جلسه حاضر بودند . روز بعد برنامه در روزنامه های محلی مندرج و پخش گردید .

گانا Ghana متجاوز از یک هزار نفر از سی قبیله در منطقه افرام پلینز Afram Plains در گانا در طی ماههای سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۱ با اجرای طرحی براساس "یدخلون فی دین الله افواجا" بنام احبای عزیزایران که متحمل تضیقات فوق العاده هستند با مر مبارک مؤمن و تسجیل گردیدند .

حداقل تعداد هفده نفر از این مومنین رئیس قبیله بودند . جمعا پنجاه محفل روحانی تشکیل شده که یک محفل از تعداد مورد نظر برای مرحله دوم نقشه جلیله هفت ساله بیشتر است . پنج محفل در جزایر دریاچه ولتا قرار دارند .

کسیکه هم آهنگ کننده این طرح بوده خود بعنوان مهاجرت داخله در افرام پلینز ساکن گردیده است .

هنگ کنگ، حداقل یک میلیون نفر از طریق برنامه ای که توسط پنج کانال تلویزیونی پخش گردید یکی از زبانهای انگلیسی یا کانتونی از امرالله مطلع گردیدند . از این پنج برنامه دو برنامه بزبان انگلیسی و سه برنامه بزبان کانتونی بود . درش برنامه رادیوئی پنج مصاحبه - یک گزارش در سه ایستگاه مختلف چهارده خبرنگار پنج گزارش منتشر نمودند که چهارتای آن بزبان چینی بود .

مسائل مربوط با اعلان امرالله از طریق موسسات خبری بمناسبت بازدید آقای دکتر مارکو کا پنبرگر

Dr. Marco G. Kappenberger

نماینده جامعه بهائی در ژنو —
بوسیله خانم فریده پیمانی که
همکار فعال ایشان بودند در مدت ۱
هفته ملاقات مشارالیه در سیتامبر
۱۹۸۱ و ارتباطشان با موسسات خبری
خلاصه شده بود.

یک سال قبل آقای کاپن برگراز
یکصدنفر متنفذترین ساکنین
هنگ کنگ برای همکاری با گروهی
که برای اعلان امرالله قیام
کرده بودند تا امرالله را بنظر
رهبران فکری برسانند دعوت کرده
بودند. امسال بهائیان هنگ کنگ
که بعنوان رابط عمل میکردند قرار
ملاقاتها را از جانب ایشان گذاشته
بودند که این اقدام موجب بالا
رفتن شان ایشان از نظر عنوان
نماینده بهائی در ژنو گردید.
ودرها را برای علاقمند شدن موسسات
خبری باز کرد و نتحه آن جلب توجه
جمعی از نفوس با مرالله گردید.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
متحد درسی وهشتمین جلسه مورخ ۴
مارچ ۱۹۸۲ نظرات وتصمیمات ذیل
را اعلام نمود.

۱- نگرانی عمیق از گزارشات پی در
پی درباره نقض شدید حقوق بشر
و آزادیهای اساسی در ایران از قبیل
اعدامهای سریع بدون رسیدگی
ومحاکمه را ابراز میدارد.

۲- از دولت ایران بعنوان یک کشور
طرف معاهده بین المللی حقوق مدنی
وسیاسی میخواهد به کلیه افراد

تحت حکومت وحوزه صلاحیت خود اطمینان
دهد که حقوق شناخته شده در آن عهد—
نامه را از قبیل نژاد، رنگ، جنس
زبان، مذهب، عقاید سیاسی ویا عقاید
دیگر، مالکیت ویا حالات دیگر را بدون
هیچگونه تبعیض با آنان اعطا نماید.
۳- از دبیرکل تقاضا مینماید درباره
وضع حقوق بشر موجود در آن کشور با دولت
ایران تماسهای مستقیم برقرار ساخته
وکوششهای خویش را بکاربرد تا اطمینان
حاصل نماید که برخورداری کاملاً
بهائیان از حقوق بشر و آزادیهای اساسی
خویش تضمین شده باشد.

۴- از دبیرکل تقاضا میشود که به
سی ونهمین جلسه کمیسیون حقوق بشر
گزارشی تسلیم نماید که متضمن تمام
اطلاعات بدست آمده و از جمله اطلاعات
مربوط به هرگونه تماس مستقیم که
ایشان احتمالاً با دولت ایران در زمینه
وضع کلی حقوق بشر موجود در آن کشور
حاصل نموده باشد.

۵- از دولت ایران دعوت مینمائیم که
همکاری خویش را با دیگر برادریها
سازمان ملل ابراز نماید.

۶- تصمیم گرفته شد که وضع حقوقی مدنی
و آزادیهای اساسی در ایران در جلسه ۳۶
کمیسیون مورد توجه قرار گیرد.

"فعالیت‌های تبلیغی"

نقل و ترجمه از بهائی نیوز آمریکا

مورخ مارچ ۱۹۸۲

بیش از پانصد نفر از ساکنین جامعه در شرق کارولینای جنوبی ایمان خویش را در اولین هفته یک برنامه تبلیغی که در تاریخ ۲۶ دسامبر آغاز گردید اعلام داشتند. در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۸۲ طبق اطلاع دکتر آلبرتا دیساس منشی لجنه ناحیه ای کارولینای جنوبی که عهده دار این برنامه بوده تعداد مومنین جدید در ناحیه شرقی کارولینای جنوبی به ۵۵۰ نفر بالغ گردیده است. در این میان ۱۵۱ نفر از ساکنین چند شهر کوچک در جنوب نیومکزیکو و *New Mexico* و قسمت غربی تگزاس *Texas* و قسمت سرحدی مکزیک نیز در طی چهارمین برنامه سالانه زمستانی فعالیت تبلیغی که از روز ۱۹ دسامبر تا ۳ ژانویه اجرا گردید بفوز ایمان بامر الهی نائل گردیده اند. آن برنامه تبلیغی از جانب لجنه تبلیغی جنوب مکزیکو و غرب تگزاس ترتیب داده شده بود. طبق اظهار خانم دیساس فعالیت تبلیغی در کارولینای جنوبی بیادایادی امرالله جناب دکتر مهاجر علیه رضوان الله

اختصاص یافته و در نوع خود در کارولینای جنوبی منحصر بفرد بوده است. مومنین جدید این طرح تبلیغی شامل طبقات مختلف جامعه از قبیل مقامات مذهبی - دانشجویان دانشگاه - روسای مدارس متوسطه و عالییه بوده. در حالیکه در گذشته تعداد قابل ملاحظه ای مصدقین جدید از بین طبقات فقیر جامعه بودند.

"خبری از آنتریو"

با سرور بی منتها با اطلاع میرساند که محفل روحانی اوریلیا "*Orillia*" در آنتریو تشکیل گردیده. این موفقیت بدین معنی است که اکنون در کلیه شهرهای منطقه سیمکو *Simcoe* محفل روحانی تشکیل گردیده است. (ترجمه از راپورت واصله به محفل مقدس روحانی ملی کانادا)

"جلسات دعا"

بطوریکه یاران عزیز الهی اطلاع دارند در تاریخ ۲۴ فبروآری ۱۹۸۲ - در سراسر کشور کانادا جلسات یاد بود بمناسبت شهادت شهدای اخیر ایران بالاخص اعضای محفل مقدس روحانی ملی و محفل مقدس روحانی - طهران تشکیل گردید.

اینک گزارش واصله از شهربرانندون در ایالت مانیتوبا *Brandon - Manitoba* که به محفل مقدس ملی کانادا واصل گردیده ذیلا ترجمه و تلخیص میگردد:

جلسه در ویکتوریا این *Victoria Inn* که کنجایش ۶۰ نفر را دارد ولسی حدود شصت نفر غیر بهائی و ۱۲ نفر بهائی در جلسه حاضر شدند. ناطق جلسه خانم دکتر اتل مارتنرز

Dr. Ethel Martens

بود که درباره تضیقات وارده بر بهائیان در ایران صحبت کرد.

نفوس غیربهائی حاضر در جلسه اکثرا از اطباء و دونفر استاد دانشگاه و بعضی معلمین و عضوانحمن شهر وعده از ساکنین شهر بودند شهر برانندون چنین جلسه ای راتا بحال بخود ندیده بود.

خانم مارتنز شدیداً سرگرم مصاحبه تلویزیونی درباره تضیقات احبای ایران بود که در دونوبت در بخش اخبار پخش گردید و ضمناً روزنامه و تلویزیون های دیگر نیز مصاحبه بعمل آوردند و حتی در مصاحبه ای در باره " بهائیان در آفریقا " شرکت نموده روز بعد یکی از دکترها که در جلسه شرکت داشت با آقای ایدون تلفونی تماس گرفته و تقاضای کتاب درباره امرالله کرد و آقای سرفاتی *Serfaty* استاد

علوم سیاسی در دانشگاه عذرخواهی کرد که نتوانسته است در جلسه حاضر شود و اظهار داشت چون در حال حاضر در کلاس درباره ایران تدریس

میکند لذا آقای دکتر ایدون مجموعه اخیر *Update On Iran*

را بایشان دادند که شخصاً مطالعه و با شاگردان نیز در میان گذارند یک نفر کشیش کلیسا به آقای دکتر ایدون اظهار داشت که اخبار مربوط به تضیقات احبای ایران را در نشریه کلیسا خوانده است و وعده کرد که آن نشریه را بایشان بدهد.

چند نفر از آقایان اطباء روز بعد به آقای دکتر ایدون تلفن کرده سؤال میکردند که چگونه میتوانند برای تخفیف صدمات و تضیقات وارده به احبای ایران کمک نمایند.

بنظر میرسید که عموم ساکنین برانندون درباره شهدای ایران با هم صحبت میکنند.

شک نیست تحقق این همه از برکت خون مطهر و فداکاری شهدای جانباز ایران میباشد.

همچنین در تاریخ مزبور جلسه نورانی در سالن بزرگ دانشگاه تورنتو با حضور بیش از ۵۰۰ نفر از احباء و افراد غیربهائی بمنظور دعا و مناجات جهت استخلاص فئه مظلوم احبای ممتحن مهد امرالله و برزگدا^{شت} خاطر شهدای اخیر تشکیل و با تلاوت مناجات بزبانهای فارسی و فرانسه شروع و رسمی گردید ضمناً مقداری از آثار و الواح مبارکه بزبان انگلیسی زیارت و تلاوت شد.

سپس جناب داگلاس مارتین عضو محترم محفل مقدس روحانی ملی کانادا بیاناتی جامع در خصوص تضیقات اخیر نسبت به بهائیان در ایران و شهادت

در تلویزیون نشان داده شد
جالب توجه آنکه مناجات فارسی
که با لحن بسیار خوش تلاوت شده -
بود در تلویزیون با همان لحن

عده از یاران خصوصا اعضای محفلین
ملی و طهران و سوابق تاریخی
امر ایراد نمود که درحاضرین
بسیار موثر افتاد.



تصویر جلسه دعا در سالن دانشگاه تورنتو

پخش گردید . بعد از اتمام مراسم
دعا و نیایش بدرگاه حضرت باریتعالی
عزوجل از شرکت کنندگان در سالن
حظیره القدس تورنتو که نزدیک
محل مذکور قرار دارد پذیرائی بعمل آمد .

ضمنا از طرف تلویزیون کانادا -
Global و C.B.B.
حریان جلسه فیلم برداری شد
که همان شب و شب بعد ضمن اخبار

حشــنهای نـوروزی

امسال در سراسر کشور کانادا مراسم جشن های نوروزی، باشکوه و حلالی خاص برگزار گردید. بهائیان عزیز کانادائی و ایرانی باشوق و شرف عید صیام و نوروز را گرامی داشتند. از جمله در نیومارکت جشن نوروزی با حضور ۲۷۰ نفر که متجاوز از یکصد نفر آنان غیربهای بودند برگزار شد. سالن جلسه که بوسیله احبای الهی تزئین شده بود مورد توحه حاضرین قرار گرفته بطوریکه در هفته بعد از طرف کلیسای کاتولیک اورورا Aurora از احبا خواسته شد که سالن کلیسا را بهمان ترتیب تزئین نمایند و چند نفر از یاران این درخواست را اجابت و مورد تشکر و قدردانی مقامات کلیسا واقع شدند.



بیست و پنج نفر از یاران ایرانی در منطقه سیمکودرآنتریو موفق به مهاجرت به نقاط مختلف شده و بیش از هشتاد درصد اهداف مهاجرتی را تحقق بخشیده اند که مورد افتخار بوده و میباشد.

مسافرت تشویقی و تبلیغی

خانم فریده نادری از احبای ساکن در ایالت بریتیش کلمبیا اقدام به یک مسافرت تبلیغی و تشویقی بیادشدهای اخیر ایران نموده و در منطقه یوکان در شش شهر و مراکز امری از تاریخ ۸ تا ۲۹ نوامبر و در آلبرتا شمالی در ۹ شهر و مراکز امری از تاریخ ۲۹ نوامبر تا ۹ دسامبر یاران الهی را در نقاط منفرد و بعضی مراکز بومیان ملاقات و با تشکیل جلسات تبلیغی و عمومی و ایراد نطق در یک دبیرستان با شرکت دو بیست نفر شاگردان بخدمت آستان حضرت یزدان و هدایت طالبان موفق گردیده و پس از مراجعت مرتباً دعوتنامه هائی از احبا و نفوس غیربھائی برای مسافرت های آینده دریافت داشته اند.



در تاریخ ۲۴ آپریل ساعت ۳۰-۸ بعد از ظهر جلسه بمنظور گفتگو و بحث درباره تضییقات وارده بر احمای ایران از طرف یک موسسه غیر بهائی بنام *Canadian Centre for Studies of the Holocaust and Genocide, and Ontario Institute for Studies in Education* تشکیل که ناطقین جلسه بر حسب دعوت قبلی آقایان داگلاس مارتین و دکتر حسین دانش‌اعضاء محترم محفل روحانی ملی کانادا بودند. بغیر از چند نفر بهائی که مشارکت نموده بودند بقیه مدعوین کلا غیر بهائی و از طرف موسسه مزبور دعوت شده بودند. ابتدا ناظم جلسه آقای *Dr. Henry Fenigstien* که فرد غیر بهائی و از طرف موسسه نظامت با و تفویض گردیده بود. مطالبی در مورد معنی *Genocide* بیان داشت، سپس ناطقین محترم جلسه مضامینی بس جامع در مورد بحث ایراد نمودند که بسیار حالب و مورد توجه قرار گرفت ضمناً بعد از اتمام سخنرانی بعضی از حاضرین سوالاتی مطرح که جواب کافی شنیدند. در خاتمه جلسه آقای دکتر *Sylanger* که از وکلای بین‌المللی است از ناطقین جلسه بگرمی تشکر و اظهار امتنان نمود و سپس پذیرائی چای و قهوه بعمل آمد.

مسلم است که همه این امور از اثرات خون شهدای ایران است که هر روز صیبت امرالله را در اقطار عالم بواسطه افراط و موسسات غیر بهائی بلند و منتشر مینماید.

قاصد مگر آهوی ختن بود

کش ناهه مشک در میان داشت
"سعدی"

بعد از انتشار شماره اول مجله عندلیب بعضی از یاران رحمانی ضمن ارسال نامه و یا شفاها این هیئت را مورد تفقد و تشویق قرار داده و انجام این مهم یعنی انتشار مجله بزبان فارسی را در این برهه از زمان اقدامی به موقع دانسته و ستوده اند . این هیئت وظیفه خود میدانند از جمیع دوستان که به نظر لطف و مرحمت به او راق مجله نظرافکنده اند سپاسگزاری نماید . لکن بحکم " من لم یشکر الناس لم یشکر الله " بعرض میرساند که انتشار مجله فارسی عندلیب مرهون الطاف و توجهات محفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا است که تهیه و نشر مجله فارسی عندلیب را تصویب و با کثرت مشغله و تراکم امور روحانی مساعی جمیله و هدایت خود را از ما دریغ نمیفرمایند لذا در نهایت خضوع مراتب سپاس خود را تقدیم آن هیئت نورانیه مینمائیم

قسمتهایی از بعضی نامه های واصله

ایادی عزیز امرالله جناب ذکرالله خادم علیه بهاء الله ضمن مرقومه های خطاب به لجنه کانادا ایران چنین اظهار داشته اند .
..... زیارت آن با سبک و اسلوب بدیع روح و روان را به اهتزاز آورد حمد جمال الهی جل کبریائه را که در این روی دیگر نیم کره و جهان آزاد محفل روحانی ملی کانادا و مشعلداران امرالهی در تحت هدایت آن محفل مقدس به فتوحات عظیمه باهره مالوفاند و باقیام عاشقانه خود در انتباه نفسوس مرحمی بر زخم قلوب کثیفه احبای عزیز ستم دیده ایران می نهند و آن مجله نفیس آهنگ آن نموده که صیت خدمات و مجهودات یاران نازنین را با آن شیوه و خط بی نهایت زیبا و سبک و انشاء ملیح به لغت نورا و فصحا که بفرموده مبارک مانند شهد و شیر است به سمع مشتاقان برساند .
این موفقیت را از اعماق قلب به آن عزیزان تبریک و تهنیت گفته عون و عنایت الهی را از این مشروع عظیم از ساحت قدس جمال قدم روحی لسلطنته الفدا سائل و آرزومندم .
با تقدیم تحیات بهائی ذکرالله خادم .

لحنه محله ملی ارتباط با بهائیان ایرانی مقیم سویس ضمن نامه مورخه ۲۹ مارچ ۱۹۸۲ خطاب به هیئت تحریریه چنین مرقوم داشته اند .
عندلیب آمد و آهنگ بدیعی آورد ... مشام دل و جان را معطر نمود هزاران مرحبا بر همت والای آن هیئت محترمه که در این ایام موفق به تاسیس و انتشار چنین مجله نفیس و وزینی شده اند .

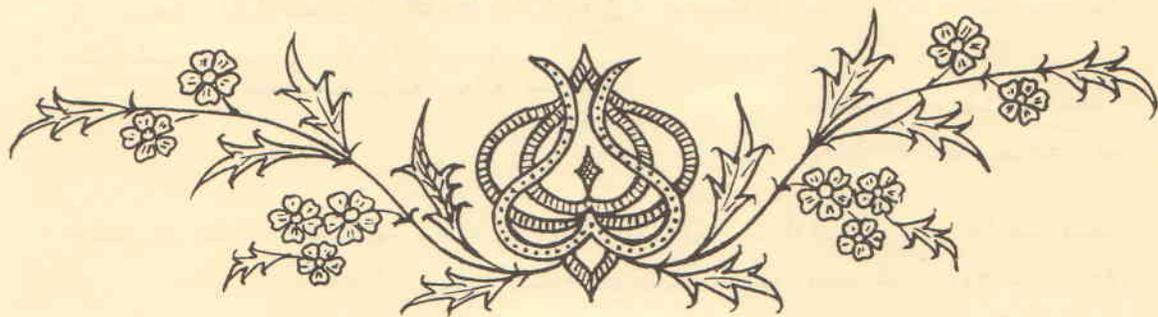
حناب روح الله سخنور شاعر خوش ذوق بهائی شعری در وصف مجله عندلیب
سروده که چند بیت از آن ذیلا درج میگردد .

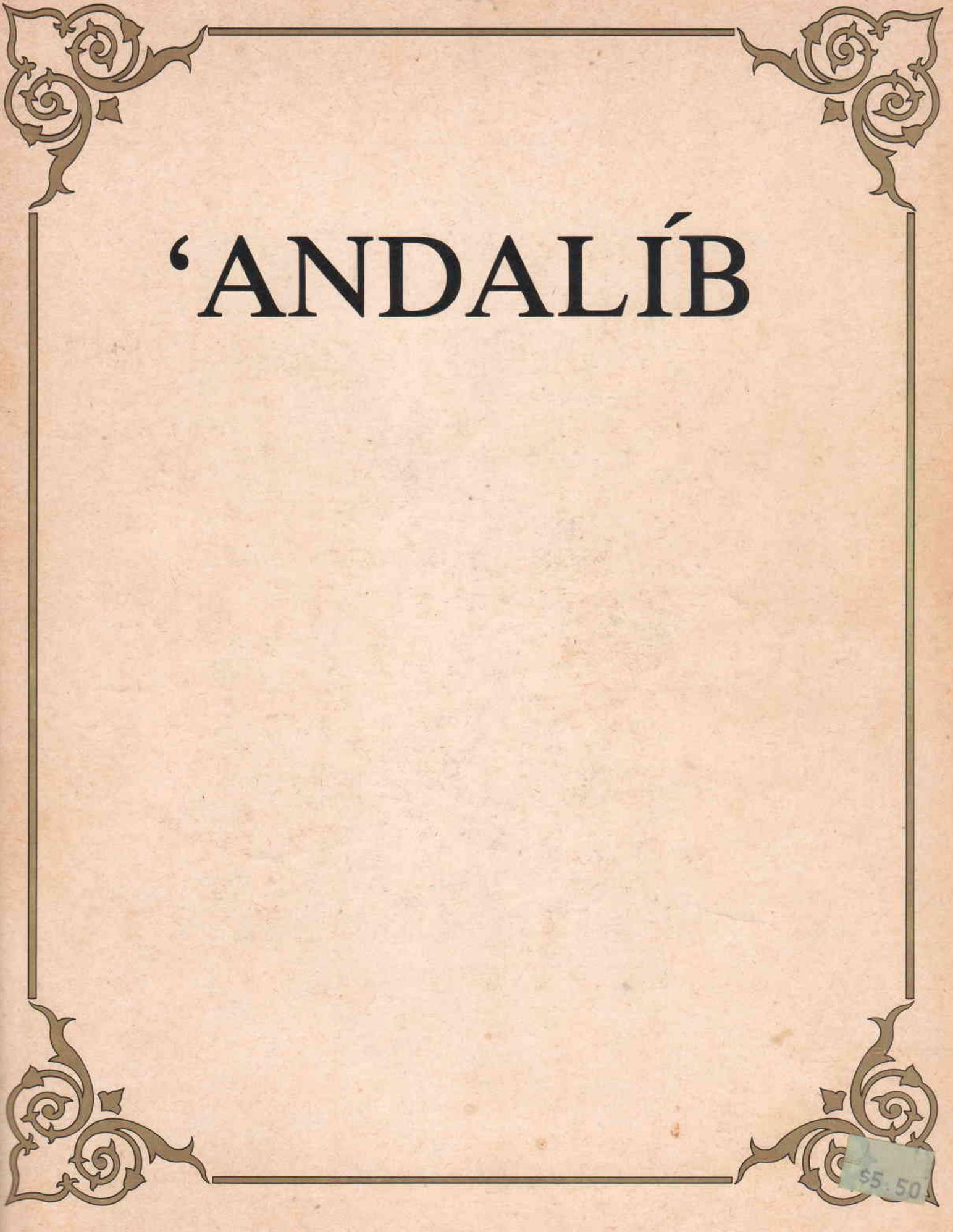
درعالم طبع وفروزیبم	ای اهل بها من عندلیم
آهنگ بدیع این دیوارم	گه بلبلم وگهی هزارم
دربزم طربیه جمع مستان	گویند مرا هزاردستان
از کینه وجور وفتنه دورم	من پیک بهار و عشق وشورم

اعتذار

در شماره اول بعد از طبع مقاداری اشتباهات
ماشینی در مجله ملاحظه گردید لذا در نهایت
استعجال غلط نامه‌ای تهیه و ضمیمه گردید .
بدین وسیله از خوانندگان گرامی پوزش میطلبیم
و عذر این قصور را میخواستیم امید هست که
دوستان بدیده اغماض بنگرند .
مسلم است که تهیه و انتشار مجله بزبان فارسی
با توجه به عدم وسایل لازمه خالی از مشکلات
نیست معذالک کوشش و سعی این هیئت بر آن است
که حتی المقدور محله بدون اشتباه در دسترس -
خوانندگان گرامی قرار گیرد .

هیئت تحریریه مجله عندلیب .





‘ANDALÍB

\$5.50